

شعرها و آهنگ‌های کوتاه فارسی
آموزش زبان فارسی به غیر زبانان
«سطح پایه»

«به نام خدا»

موضوع تحقیق: گردآوری موضوعی فیلم‌های ویدیویی و آهنگ‌های کوتاه جذاب فارسی به منظور آموزش زبان فارسی به غیر فارسی زبانان در سطوح اصلی زبان با تاکید بر سطح پایه

در این تحقیق با توجه و تمرکز بر روی سطح پایه به گردآوری اشعار کوتاه فارسی برای فارسی آموزان غیرفارسی زبان پرداخته شده است و معیار آن چهارچوب مرجع مشترک آموزش زبان فارسی به غیر فارسی زبانان است.

اشعاری از شاعران و انتشارات مختلف ایرانی که در این حوزه فعال هستند گردآوری و دسته بندی شده است. متأسفانه آهنگ‌های کوتاه و فیلم‌های ویدیویی زیادی در این زمینه در دسترس نمی‌باشد و امید است که در این راستا فعالیت بیشتری انجام شود.

کتابهای شعر فارسی در رده سنی (الف-ب-ج) منتشر شده و موجود در بازار مورد بررسی قرار گرفت. در کتابخانه‌های مختلف موجودیهای این زمینه بررسی شد و نتایج حاصل از آن اعلام می‌شود. در انتها لیستی از فیلم‌های سینمایی و سریال و انیمیشن‌های مناسب سطح پایه و میانی ارائه می‌گردد.

لازم به ذکر است که تعداد بسیار زیادی کتاب شعر کودک مورد بررسی قرار گرفت اما از آنجا که بایستی علاوه بر رعایت مشخصات سطح پایه به محتوای اشعار دقت شود (که محتوای فرهنگی و درون مایه مناسب داشته باشند) بسیاری از اشعار از این فیلتر عبور نکرده‌اند.

این اشعار علاوه بر سادگی برای سطح پایه باید تا حدی معرف ایران و فرهنگ ایران و آداب و ادبیات و سبک زندگی و روابط ایرانیها باشد.

حائز اهمیت است که از آنجایی که این اشعار برای کودکان ایرانی سروده شده است امکان دارد بعضی از واژه‌ها یا نکات برای سطح پایه غیر فارسی زبان مشکل و ثقیل بیاید که شاید بتوان با ارتباط با شاعر آن اثر تغییراتی در شعر اعمال کرد تا مناسب این امر شود.

محتوا در سطح پایه (حوزه‌ی دستور)

حال اخباری و منفی آن، حال اخباری برای آینده، حال اخباری فعل بودن و منفی آن، حال اخباری فعل داشتن و منفی آن، گذشته‌ی ساده و منفی آن، فعل امر و منفی آن، امر فعل بودن، امر فعل داشتن، حال التزامی و منفی آن، حال التزامی بودن، فعل لازم و متعدی، مصدر، فعل ساده، فعل پیشوندی، فعل مرکب، ریشه‌ی حال، ریشه‌ی گذشته، شناسه‌ی فعلی، اسم مفرد، اسم جمع، جمع و نشانه‌های آن، جمع اسم‌های غیرقابل شمارش، ترکیب‌های اضافی، ترکیب‌های وصفی (اسم+صفت بیانی)، صفت شمارشی اصلی، صفت پرسشی، صفت مطلق، صفت برتر و برترین، صفت نسبی، صفت اشاره، صفت شمارشی ترتیبی، ضمیر شخصی جدا، ضمیرشخصی پیوسته، حالت‌های ضمیر مشترک، ضمیر اشاره، ضمیر پرسشی، ضمیر مبهم، قید ویژه، قیدهای پرکاربرد، قید زمان، قید مکان، قید مقدار، قید کیفیت، قید علت، قید تشدید، قید تکرار، قید تردید، قید تأکید، قید ترتیب، حرف نشانه‌ی را، حروف اضافه‌ی ساده پر بسامد، حروف اضافه‌ی مکان، حروف ربط ساده، حروف ربط همپایگی، آرایش جمله، مطابقت فعل با نهاد، جمله‌ی خبری، جمله‌ی امری، جمله‌ی پرسشی بله/خیر، جمله‌ی پرسشی با آیا، جمله‌ی همپایه، جمله‌ی پرسشی با واژه‌ی پرسشی، فعل کمکی توانستن، فعل کمکی شاید، فعل کمکی باید، مالکیت(مال، برای)، واحد شمارش اسم، واحد شمارش تا، پرسش از تعداد، اسم مرکب، جاننداری، گونه‌ی گفتاری، ترکیب عطفی

محتوا در سطح پایه (حوزه‌ی واژگان)

سلام و احوالپرسی، معرفی فردی، اسم، سن، جنسیت، وضعیت تأهل، شغل، تحصیلات، امور روزمره، فعالیت‌های اوقات فراغت، رویدادهای زندگی (تولد، ازدواج)، مهارت‌ها و توانمندی‌ها، خانواده، اعضای خانواده، روابط و نسبت‌های خویشاوندی، کار و حرفه، ملیت، کشورها، کشورهای همسایه، کشورهای پرجمعیت، کشورهای صنعتی، کشورهای آسیایی، کشورهای اروپایی، کشورهای عربی، کشورهای آمریکایی، کشورهای افریقایی، مواد غذایی، غذاهای مشترک یا همنام، نوشیدنی‌ها، میوه‌جات، سبزیجات، انواع گوشت، حبوبات، لبنیات، ادویه‌جات، مزه‌ها، وعده‌های غذایی، غذاهای دریایی، غذاهای سنتی ایرانی، غذاهای بین‌المللی، غذاهای آماده، پروتئین‌ها و ویتامین‌ها، تغذیه، سلامت و بهداشت، مشاغل بخش درمان، لباس‌های اصلی، لباس‌های مختص مردان، لباس‌های مختص زنان، لباس‌های مختص کودکان، لباس فصل‌های مختلف، لباس موقعیت‌های مختلف (رسمی، غیررسمی)، لباس گروه‌های مختلف، انواع کلاه و حجاب، توصیف لباس و پوشش، خیاطی، رنگ‌ها، رنگ‌های اصلی، رنگ‌های فرعی، واژه‌های مرکب ساخته‌شده با اسامی رنگ‌ها، واژه‌های مرکب با ترکیب عدد، تقویم، ساعت، قیود زمان، روزهای هفته، ماه‌های سال، فصول سال، اوقات روز، دوران زندگی (کودکی، جوانی...)، آب‌وهوا و محیط‌زیست، پیش‌بینی هواشناسی، قیود مکان، جغرافیا، جهان، انواع خانه و ساختمان (آپارتمان، ویال، برج...)، انواع سکونت (ملکی، استیجاری...)، لوازم منزل (مبل، فرش...)، وسایل برقی، صوتی و تصویری، لوازم اتاق‌های مختلف (تخت، کمد، کتابخانه...)، لوازم برقی آشپزخانه، ابزار آشپزی (قاشق، رنده)، امور خانه و خانه‌داری، اعضای بدن، اعضای و احشاء داخلی، صفات توصیف انسان (چاق، کوتاه، کچل...)، صفات توصیف مو (صاف)، ورزش‌های گروهی، ورزش‌های انفرادی، ورزش‌های توپی، لوازم ورزشی، ابزار، حمل و نقل هوایی و فضایی (سفر با ماشین (پایانه مسافربری-جاده)، سفر با قطار (ایستگاه قطار)، سفر با هواپیما (فرودگاه)، سفر با کشتی (بندر)، حوادث و تصادفات، تعطیلات، اعیاد ملی و مذهبی، مراسم و آیین‌های ملی و مذهبی، وسایل حمل و نقل عمومی، نهادهای عمومی شهری، مهدکودک، مدرسه، دانشگاه، کتابخانه عمومی، مسجد، پارک، باغ وحش، ورزشگاه، استخر، فروشگاه‌های زنجیره‌ای، آتشنشانی، سینما و تئاتر، سوپرمارکت و خرید مایحتاج روزانه، موزه و بازدید، حیوانات باغ‌وحش، حیوانات اهلی، حیوانات وحشی، حیوانات خانگی، اسامی پربسامد پستانداران، گیاهان، ابزار باغبانی و کشاورزی، تحصیل و آموزش، موضوعات مختلف درسی، رشته‌های تحصیلی دانشگاهی، انواع آزمون، مدارک تحصیلی، صفات توصیف اعضای بدن (بینی عقابی...)، رستوران و سفارش غذا، واژه‌های متضاد، واژه‌های هم‌معنا، واژه‌های غیررسمی و عامیانه

محتوا در سطح پایه (حوزه‌ی کارکرد)

احوال پرسشی رسمی (سلام و خداحافظی)، احوال پرسشی غیر رسمی، ارائه اطلاعات فردی، معرفی خود و دیگران، ملاقات افراد برای نخستین بار، صحبت کردن در مورد خانواده، صحبت کردن در مورد عاداتهای شخصی، صحبت در مورد ملیت خود و دیگران، صحبت کردن در مورد شغل و حرفه، صحبت کردن در مورد تفریحات و سرگرمیها، شرح فعالیتهای روزانه، صحبت در مورد فعالیتهای خارج از خانه، سوال پرسیدن (به‌طور کلی و عمومی)، آدرس پرسیدن، آدرس دادن، پاسخگویی به تلفن، پاسخگویی به درخواستها (پذیرش یا رد)، استفاده از سیستم حمل و نقل عمومی، ابراز خستگی، ابراز خوشحالی، ابراز دوست داشتن یا نداشتن (چیزی/کسی)، ابراز علاقه (به چیزی یا کسی)، اجازه دادن، اجازه گرفتن، باز کردن سر صحبت (شروع یک مکالمه)، بیان تعداد و مقدار، بیان خاطرات گذشته، بیان درد و نشانه‌های بیماری، پاسخگویی به تعارفها، صحبت کردن درباره‌ی آب و هوا، نحوه‌ی تکمیل فرم اطلاعات شخصی، نحوه‌ی تکمیل فرم ثبت نام دانشگاه و ...، وقت گرفتن از دکتر، تسلیت گفتن و پاسخ دادن به تسلیت دیگران، خوش آمدگویی به دیگران، ابراز خشم، توصیف افراد، مکانها، اشیاء، تجربیات، توصیف ظاهر افراد، درخواست کردن (تقاضا /خواهش)، رد کردن و نپذیرفتن (درخواست /تقاضا و ...)، عذرخواهی، قرار ملاقات گذاشتن، نشان دادن احترام به دیگران، مقایسه و تقابل، پرسیدن اطلاعات پرواز /حرکت قطار، اتوبوس و غیره، پرسیدن شماره تلفن و ایمیل، پرسیدن قیمت و خرید کردن، پرسیدن و بیان زمان و تاریخ روز، تشکر کردن و پاسخ دادن به تشکر دیگران، تعارفات مرسوم، تلفن کردن / دریافت اطلاعات از طریق تلفن، توصیف اشیاء (بیان اندازه، وزن و ...)، درخواست کمک کردن، درک و استفاده از اعداد، دستوردادن یا سفارش دادن، رزرو کردن (بلیت، هتل و ...)

فهرست موضوعات

-مشاغل
-حيوانات
-اعضای خانواده
-لباس
-وسایل نقلیه
-ایام هفته
-رنگ‌ها
-اعضای بدن
-خوراکی‌ها
-آیین‌ها و مراسم ملی
-محیط زیست و طبیعت
-تحصیل و آموزش
-کشورها
-آیین و مراسم مذهبی
-فصول
-وسایل خانه (آشپزخانه)
-انواع خانه
-اوقات فراغت
-اشعار کتاب فارسی اول تا پنجم
-لیست آثاری که در حوزه شعر نبودند(فیلم‌ها- سریال‌ها-
.....انیمیشن کتاب‌ها)

«مشاغل»

«خیاطی»

خیاط ما اوستا رضا

کار می‌کنه برای ما

پارچه‌ها رو چی می‌کنه؟

میبره، قیچی می‌کنه

نخ رو تو سوزن می‌کنه

شروع به دوختن می‌کنه

تیک تاک چرخ خیاطی

میشه با خنده‌هاش قاطی

اوستا رضا مهربونه

لباش همیشه خندونه

میدوزه مثل فریره

میچرخه نخ با قرقره

لباس‌های رنگ و وارنگ

بلند و کوتاه و قشنگ

شلوار و کت با پیراهن

برای تو، برای من

گونه گفتاری - مالکیت - ضمیر شخصی جدا - حال اخباری - حرف نشان را - حرف اضافه ساده - ضمیر شخصی پیوسته - قید زمان - حرف عطف - صفت نسبی - اسم مفرد - مصدر	دستور
شغل‌ها - لباس (خیاطی)	واژگان
صحبت کردن در مورد شغل‌ها	کارکرد

«پرستار»

تمام شب بیداره

مواظب بیمار

مثل ماه آسمون

هیچ موقع خواب نداره

با یک لباس سفید

اون شبیه دکتراس

تو جیبای سفیدش

همیشه قرص و دواست

شبا تو بیمارستان

سر میزنه به مریض

پیش خدای دانا

رو سفیده و عزیز

هرموقع لازم باشه

خودش رو میرسونه

بی خوابی سخته شبها

برای اون آسونه

حرف اضافه ساده- گونه گفتاری- فعل منفی- صفت شمارشی اصلی- ترکیب وصفی- ضمیر اشاره- نشان جمع- حرف ربط- قید زمان- حال اخباری- مالکیت	دستور
شغلها (پرستار)	واژگان
صحبت کردن در مورد شغلها	کارکرد

«پستچی»

یک نفر در می‌زند من دلم وا می‌شود

آن جوان در پشت باز پیدا می‌شود

توی دست آن جوان باز هم یک بسته است

خنده دارد بر لبش گرچه خیلی خسته است

بسته را می‌گیرم از آن جوان مهربان

و تشکر می‌کنم من از آن نامه‌رسان

می‌رود با نامه‌ها آن جوان مهربان

هست توی دست من یک مجله بچه‌ها!

باز دارم هفته ای شعرها لبخندها

حرف‌های بامزه، قصه و پندها

(جعفر ابراهیمی)

فعل پیشوندی- صفت شمارشی اصلی- حرف اضافه ساده- حرف نشانه را- قید تکرار- حال اخباری فعل داشتن- ضمیر شخصی جدا- شناسه فعلی- نشان جمع- حرف عطف- قید مکان- حرف ربط ساده- حال اخباری- اسم مرکب	دستور
شغل‌ها (پستچی)	واژگان
صحبت کردن در مورد شغل‌ها	کارکرد

«نجاری»

پشت مغازه <u>یک</u> درخت	نجاری محل ما
ایستاده استوار و سخت	پر شده از سر و صدا
روی <u>سرش</u> دارکوبه	اوستای نجار، تق و تق
او هم یه نجار خوبه	کار <u>میکنه</u> تلق تلق
روی درخت نوک میزنه	میخ به <u>روی</u> چوب میزنه
پوست درخت رو میکنه	<u>بین</u> چقدر خوب میزنه
اوستای ما سواد داره	با رنده، اره یا تیشه
پشت <u>گوشش</u> مداد داره	<u>تخته‌ها</u> اندازه میشه
چوب رو میگیره اندازه	با <u>تخته‌ها</u> در <u>میسازه</u>
هرچی <u>دلش</u> خواست میسازه	هم پنجره هم دروازه
دور و برش پر از چوبه	<u>تخت خواب</u> و نیمکت و میز
کارش شبیه دارکوبه	ریز و درشت، درشت و ریز
(اسدالله شعبانی)	صندلی هم خوب میسازه
	اینها رو با چوب میسازه

حرف اضافه ساده- حال اخباری- گونه گفتاری- ضمیر شخصی پیوسته- فعل امر- حرف ربط ساده- نشانه جمع (ها)- صفت شمارشی اصلی- اسم مرکب- حرف عطف- ضمیر اشاره- قید مکان- حرف نشانه را- صفت نسبی	دستور
شغلها (نجاری)	واژگان
صحبت کردن در مورد شغلها	کارکرد

«نانوا»

اینجا مغازه‌ی چیه؟

مغازه نونواییه؟

نونوای پیر مهربون

خنده به لب، شیرین زبون

با دستای لرزون و پیر

مشغوله با آرد و خمیر

خمیر رو چونه میکنه

دونه به دونه میکنه

تنور رو روشن میکنه

چونه ها رو پهن میکنه

با چونه ها نون میپزه

نون های خیلی خوشمزه

قید مکان - ضمیر پرسشی - حرف اضافه ساده - حرف عطف - نشان جمع - گونه گفتاری - حال اخباری - حرف نشان را - قید مقدار - ترکیب وصفی - ترکیب اضافی	دستور
شغل‌ها (نانوا)	واژگان
صحبت کردن در مورد شغل‌ها	کارکرد

«پلیس»

اونیکه شبا بیداره، لباس آبی داره

مواظب شهر ما، مواظب خونه‌هاست

پلیس مهربونه، همیشه خوش زبونه

اونکه تفنگ داره، کلاه و فشنگ داره

با آدمای بدکار، با دزدای خطاکار

دشمنه و میجنگه، آقا پلیسه زرنگه

وقتی توی خیابون، ماشین میاد چپ و راست

پلیس راهنمایی، مواظب بچه‌هاست

بچه خوب همیشه، از خط کشی رد میشه

ضمیر اشاره- ترکیب وصفی- نشان جمع (ها)- قید زمان- اسم مرکب- حرف عطف- ترکیب اضافی- حرف اضافه ساده- اسم مفرد- اسم جمع	دستور
شغل‌ها (پلیس)	واژگان
صحبت کردن در مورد شغل‌ها	کارکرد

«کفّاش»

کفّاشم و کفّاشم

سحرخیزم و بشاشم

توکار دوخت و دوزم

کفّاشتونو میدوزم

کفّاشی پاره پوره

هر کفّاشی که ناجوره

می دوزمش من عالی

بدون هیچ خرابی

(رها تازیکه)

گونه گفتاری- ضمیر شخصی پیوسته- شناسه فعلی- حرف ربط- حال اخباری- ترکیب وصفی- ضمیر مبهم- ضمیر شخصی جدا	دستور
شغلها (کفّاش)	واژگان
صحبت کردن در مورد شغلها	کارکرد

قصابی

آهای آهای اینجا چیه؟

مغازه قصابیه!

سرتاسرش کاشی داره

هرکاشی نقاشی داره

آویخته از قلاب و بند

گوشتای گاو و گوسفند

قصاب پیر مهربون

هم مهربون هم خوش زبون

با دست و روی چرب و نرم

میخنده با خنده‌ی گرم

هی چاقوشو تیز میکنه

گوشتارو ریز ریز می‌کنه

گاهی با ساطور میزنه

استخونا رو میشکنه

ماهیچه و راسته میده

هر چی دلت بخواد، میده

میبره اون برای ما

میریزه توی کیسه‌ها

با یه ترازو میکشه

یه سگ میاد بو میکشه

قصاب پیر و مهربون

یه استخون میده به اون

گره رو دنبال می‌کنه

موش‌ها رو خوشحال می‌کنه

قید مکان - ضمیر پرسشی - صفت نسبی - ضمیر شخصی پیوسته - حرف اضافه ساده - قید زمان - اسم مفرد - حال اخباری - گونه گفتاری - صفت شمارشی اصلی - ضمیر اشاره	دستور
شغل‌ها (قصاب)	واژگان
صحبت کردن در مورد شغل‌ها	کارکرد

«رفتگر»

من آقای رفتگر

زباله‌ها رو می‌برم

هر شب میام در خونه‌ها

سراغ اون زباله‌ها

که ریخته توی کیسه‌ها

کیسه‌ها رو برمی‌دارم

داخل ماشین می‌زارم

اگه زباله جمع نشه

باعث بیماری میشه

یادت باشه شعار ما

شهر ما خانه ما

ضمیر شخصی جدا- نشان جمع (ها)- حال اخباری- قید زمان- ضمیر اشاره- حرف اضافه ساده- اسم مفرد- حرف ربط ساده- گونه گفتاری- فعل منفی- ضمیر شخصی پیوسته	دستور
شغل‌ها (رفتگر)	واژگان
صحبت کردن در مورد شغل‌ها	کارکرد

«داور»

داور این بازی منم

کارت می‌دهم سوت می‌زنم

جرّ توی بازی ممنوعه

زبون درازی ممنوعه

حرف حساب، حرف منه

کی می‌تونه

رو حرف من، حرف بزنه؟

(از کتاب شعرهای شیرین برای بچه‌ها مجموع شاعران)

ضمیر اشاره- حال اخباری- حرف اضافه ساده- ترکیب وصفی- ضمیر مبهم- فعل امر- اسم مفرد	دستور
شغل‌ها (داور)	واژگان
صحبت کردن در مورد شغل‌ها	کارکرد

«موش کتاب فروش»

موشه کتاب فروشه

نشسته باز یک گوشه

کتاب قصه اش رو

به گره می فروشه

پول ها رو سکه سکه

می ریزه توی کیسه

بازم می ره یه گوشه

یه قصه می نویسه

(اسدالله شعبانی)

اسم مرکب- قید تکرار- صفت شمارشی اصلی- ضمیر شخصی پیوسته- حرف نشان را- حال اخباری- حرف اضافه ساده- قید تکرار- گونه گفتاری	دستور
شغل ها (کتاب فروش)	واژگان
صحبت کردن در مورد شغل ها	کارکرد

«پلیس»

توی خیابون

ماشین زیاده

سر چهارراه

پلیس ایستاده

این طرف بسته ست

اون طرف بازه

خیابون خیلی

تنگ و درازه

کنار پلیس سه تا چراغ هست

پلیس سوتشو

گرفته در دست

اون راهنمایی

می کنه مارو

آروم می کنه

خیابونارو

خیلی ممنونیم

آزاد تا همیشه

بی او شهر ما

خیلی بد می شه

(جعفر ابراهیمی)

حرف اضافه ساده- ضمیر اشاره- اسم مفرد- حرف عطف- صفت شمارشی اصلی- ضمیر شخصی پیوسته- نشان را- حال اخباری- قید زمان- قید مقدار- گونه رفتاری	دستور
شغلها (پلیس)	واژگان
صحبت کردن در مورد شغلها	کارکرد

«حيوانات»

(اهلی - وحشی - حشرات)

«فیل بود»

رفتم بالا، فیل بود

خرطوم اون، بیل بود

گوشه‌اش نون لواش بود

راه رفتنش یواش بود

دندونای بلند داشت

انگار دو کله قند داشت

پاهاش ستون ستون بود

قد یه ساختمون بود

اومدم پایین، موش بود

یه دم، یه سر، دو گوش بود

فیله، پسر عموش بود

(ناصر کشاورز)

فعل گذشته ساده - شناسه فعلی - نشان جمع - ضمیر شخصی پیوسته - ضمیر شمارشی اصلی - ترکیب اضافی - گونه گفتاری - قید مکان	دستور
حیوانات وحشی	واژگان
آشنایی با حیوانات - اعضای بدن حیوانات	کارکرد

● «غذاها جورواجورند»

«غذا، غذای زنبور»

زنبور زرد ناقل

پر می‌زنه رو سبزه‌ها

شهد گلا رو میخوره

سیر همیشه از این غذا

«غذا، غذای موشه»

دوست داره موش کوچولو

پنیر و مغز گردو

تا اسم گردو می‌آد

داد می‌زنه: کجاس، کو؟

«غذا، غذای خرگوش»

خرگوشه خیلی نازه

گوشاش چقدر درازه

غذاش چیه؟ هویجه

هویج زرد و تازه

«غذا، غذای کلاغ»

کلاغه کجاست؟ رو دیوار

داد می‌زنه قار و قار

گشنه شده، غذاش کو؟

پنیر میخواد، زود بیار

«غذا، غذای میمون»

چه شیطونه میمونه

نشسته توی خونه

موزا رو پوست میگیره

میخونه دونه دونه

(شکوه قاسم نیا)

اسم مفرد- حال اخباری- ترکیب اضافی- ضمیر پرسشی- تطابق نهاد و فعل- فعل منفی- حرف اضافه ساده- فعل امر- صفت اشاره- قید مقدار- ضمیر شخصی پیوسته- حرف ربط ساده- حرف عطف- نشان را- قید ترتیب- فعل مرکب	دستور
حیوانات- خوراکی	واژگان
آشنایی با حیوانات	کارکرد

«چاله‌های آب»

می‌چکد به روی شهر

چکه چکه آسمان

باز خنده می‌کنند

چترهای مهربان

حیف! خاله مورچه

لانه‌اش خراب شد

توی راه او پر از

چاله‌های آب شد

غصه می‌خورم چقدر

من برای مورچه

ای خدا چه می‌کنند

بچه‌های مورچه

(مریم هاشمپور)

حال اخباری - قید تکرار - شناسه فعلی - نشان جمع - ضمیر شخصی پیوسته - گذشته ساده - ضمیر پرسشی - حرف اضافه ساده	دستور
(حیوانات) حشرات (مورچه)	واژگان
آشنایی با حشرات	کارکرد

«پرنده»

سلام ای پرنده!

چه خوشگل و سفیدی

به من بگو عزیزم

تو از کجا رسیدی

چقدر خسته هستی

بخواب به روی دستم

نترس ای پرنده

مواظب تو هستم

چه می شود همیشه

کنار من بمانی

و گاهی از ته دل

برای من بخوانی

بمان و توی گوشم

بخوان بخوان ترانه

میان دست هایم

بساز آشیانه

(مریم هاشم پور)

حرف عطف - فعل امر - حرف اضافه ساده - ضمیر پرسشی - ضمیر شخصی جدا و پیوسته - حال اخباری - حرف ربط ساده - قید زمان - فعل نهی - مالکیت	دستور
پرنده (حیوانات)	واژگان
آشنایی با پرنده	کارکرد

«جیر جیرک»

شب است و جیر جیرک

دوباره گرم کار است

دوباره ساز او کوک است

صدایش برقرار است

دوباره جیر جیرک

هوس کرده بخواند

کنار بالش من

شبش را بگذارند

صدای جیر جیرک

شده لایبی من

پر از تک خوانی اوست

شب تنهایی من

(مهدی مرادی)

اسم مفرد- قید تکرار- ضمیر شخصی پیوسته- شناسه فعلی- مطابقت فعل با نهاد- نشان را- ضمیر شخصی جدا- حرف اضافه ساده- ترکیب وصفی- ترکیب اضافی	دستور
حشرات (حیوانات)	واژگان
آشنایی با حشرات	کارکرد

«پرنده»

چه تنها چه ساکت
چه دلتنگ هستی
پرنده نه، انگار
تو یک سنگ هستی

نه در سینه داری
کمی شوق پرواز
نوکت خشک و خالی
از احساس آواز

چرا تنبلیت کرد
کمی آب و ارزن
پر از بال و پر شو
برای پریدن

رسیدن به آن جا
به آن باغ روشن
که جاری است در آن
هوای سرودن
(مهدی مرادی)

صفت شمارشی اصلی - قید تردید - ترکیب وصفی - ضمیر شخصی جدا - قید مقدار - ضمیر شخصی پیوسته - حرف اضافه ساده - حرف عطف - گذشته ساده - ضمیر اشاره - اسم مفرد	دستور
حیوانات (پرنده)	واژگان
آشنایی با پرنده	کارکرد

«موش و گربه»

یه موش چاق

توی اتاق

گوشش بزرگ

دمش دراز

نشسته بود

بر سر یک سفره‌ی باز

سفره پر از پنیر و ماست

موشه می خورد از چپ و راست

موشه می خورد و باد می کرد

گربه سیاه رو شاد می کرد

(اسدالله شعبانی)

گونه گفتاری - حرف اضافه ساده - ضمیر شخصی پیوسته - ضمیر شمارشی اصلی - حرف عطف - حال اخباری - ترکیب وصفی - اسم مفرد - حرف نشانه را	دستور
حیوانات (موش و گربه)	واژگان
آشنایی با حیوانات	کارکرد

«من گل نمی چینم»

خوشحال می گشتم

دور و بر گلها

یک دفعه یک زنبور

از دور شد پیدا

او نیش تیزش را

فوری نشانم داد

ترسی عجیب آن وقت

توی دلیم افتاد

از بس که ترسیدم

از سوزن نیشش

دیگر نماندم من

در رفتم از پیشش

(فریدون سراج)

حرف عطف- نشان جمع- صفت شمارشی ترتیبی- حرف اضافه ساده- گذشته ساده- ضمیر شخصی پیوسته- حرف نشانه را- قید زمان- فعل پیشوندی- فعل منفی- ترکیب وصفی	دستور
حیوانات (حشرات)	واژگان
آشنایی با حشرات	کارکرد

«دو ساعت وز و وز»

مگس آمد سراغم

سر انشا نوشتن

پراز آواز او شد

اتاق کوچک من

حسابی اذیتم کرد

صدای وزوز او

حواسش هی به من بود

و چشم قرمز او

مرتب سبز می شد

دم گوش و دهانم

گمانم او نمی خواست

که درسم را بخوانم

دو ساعت وز و وز کرد

از این ور تا به آن ور

پرید از پیش من رفت

خودش شد خسته آخر

(فریدون سراج)

ضمیر شمارشی اصلی - حال اخباری - مصدر حرف اضافه - ترکیب وصفی - ضمیر شخصی جدا - فعل گذشته ساده - فعل منفی - حروف اضافه مکان	دستور
حیوانات (حشرات)	واژگان
آشنایی با حشرات (صدای حشرات)	کارکرد

«صدای حیوانات»

گر به میگه: میو میو

با پنجه‌ی تیز اومدم جلو

سگ میگه: واق و واق و واق

دلیم میخواد یه گربه‌ی چاق

گاو میگه: ما و ما و ما

علف بیار برای ما

خره میگه: عر و عر و عر

من می‌خورم یونجه‌ی تر

اگه بار داری روی من ببر

کبوتر میگه: بق بق بق

من هستم آرام، یه کمی ترسو

از جنگ بیزارم آهای کوچولو

زنبره میگه: ویز و ویز و ویز

نیش‌های من هستند خیلی تیز

عسلم شیرین دست و پام تمیز

خروس میگه: قوقولی قوقو

از من دور نشو جوجه کوچولو

جوجه میگه: جیک و جیک و جیک

من دیگه نیستم خیلی کوچیک

مرغه میگه: قد و قد و قد

جوجه کوچولو نخوری نخود

کلاغه میگه: قار و قار و قار

گردو بدو عمو یادگار

گنجشکه میگه: جیک و جیک و جیک

لانه‌ی من قشنگ و شیک

تخم می‌ذارم کوچیک کوچیک

گوسفند میگه: بع و بع و بع

بره‌ها میگن: مع و مع و مع

(مریم اکراد)

گونه گفتاری- حرف اضافه ساده- فعل امر منفی- قید مقدار- فعل امر- حال اخباری- شناسه فعلی- ترکیب وصفی- صفت شمارشی اصلی- ضمیر شخصی جدا- مطابقت نهاد با فعل- حرف ربط ساده- قید مکان- فعل منفی- مالکیت- ضمیر شخصی پیوسته- اسم مفرد- فعل امر- نشان جمع	دستور
حیوانات (صدای حیوانات)	واژگان
آشنایی با صدای حیوانات	کارکرد

«حيوانات (کلاغ)»

بچه‌ها: عمو زنجيرباف

عمو

زنجيرباف: بعله

- زنجير ما رو بافتی؟

- بعله

- پشت کوه انداختی؟

- بعله

- بابا اومده

- چی چی آورده؟

- پنير بسيار

- بخور و بيا

- با صدای چی

- قار و قار و قار ...

قار و قار و قار کلاغم

کلاغ کوچه باغم

پر دارم و بال دارم

خیلی قیل و قال دارم

می‌سازم آشیانه

سر می‌دهم ترانه

صدای قار قار دارم

چنگال و منقار دارم

قاپ می‌زنم فراوون

گوشت و پنير و صابون

اسم مرکب- ضمير شخصی جدا- فعل امر- حرف اضافه ساده- صفت پرسشی- حال اخباری فعل داشتن- قید مقدار- فعل پیشوندی- حرف عطف- حال اخباری- اسم مفرد- اسم مفرد- ترکیب اضافی	دستور
حيوانات وحشی (کلاغ)	واژگان
آشنایی با حيوانات	کارکرد

«دور دوّم (خروس)»

بچه‌ها: عمو زنجیرباف

عمو زنجیرباف: بعله

- زنجیر ما رو بافتی؟

- بعله

- پشت که انداختی؟

- بعله

- بابا اومده

- چی چی آورده؟

- چند تا آلبالو

- بخور و بیا

- با صدای چی؟

- قوقولی قوقو

قوقولی قوقو، خروس

نه تنبلم نه لوسم

بال و پرم ببینید

تاج سرم ببینید

سحرخیزم، زرنگم

قشنگ و رنگارنگم

وقتی که شب سر میاد

خورشید خانم درمیاد

قوقولی قوقو می‌کنم

تنبلا رو هو می‌کنم

میگم خبر، خبردار

اومده موقع کار ...

دستور	فعل امر - حرف اضافه ساده - فعل پیشوندی - ترکیب اضافی - حال اخباری - ضمیر شخصی پیوسته - حرف عطف - صفت پرسشی - قید زمان - ضمیر پرسشی - حرف نشانه را
واژگان	حیوانات اهلی (خروس)
کارکرد	آشنایی با حیوانات

«دور سوم (مرغ)»

بچه‌ها: عمو زنجیرباف

عمو زنجیرباف: بعله

- زنجیر ما رو بافتی؟

- بعله

- پشت کوه انداختی؟

- بعله

- بابا اومده

- چی چی آورده؟

- کمی لوبیا

- بخور و بیا

- با صدای چی

- قد قد قدا

قد قد قدا منم منم

مرغ پا کوتا منم منم

آب می خورم دون می خورم

بدون دندون می خورم

جوجه دارم طلا طلا

تخم می کنم برای شما

منم منم قد قد قدا

مرغ زرنگ پا کوتاه

قید مقدار- فعل امر- صفت پرسشی- حال اخباری- حرف اضافه ساده- گونه گفتاری- ترکیب وصفی- گذشته ساده- قید مکان- ضمیر پرسشی- اسم مفرد- حال اخباری فعل داشتن	دستور
حیوانات اهلی (مرغ)	واژگان
آشنایی با حیوانات	کارکرد

«دور چهارم (گربه)»

بچه‌ها: عمو زنجیرباف

عمو زنجیرباف: بعله

- زنجیر ما رو بافتی؟

- بعله

- پشت کوه انداختی؟

- بعله

- بابا اومده

- چی چی آورده؟

- چلو، پلو

- بخور و بیا

- با صدای چی؟

- میو و میو ...

میو میو ملوسم

گربه‌ی لوس لوسم

ملیله و بللیله

دو چشم دارم، دو تیله

چنگول تیزم ببین

موی تمیزم ببین

یه دم دارم درازه

ببین ببین چه نازه

زرنگ و باهوشم من

شکارچی موشم من

همیشه گوش به زنگم

یه موش بیفته چنگم

فعل گذشته ساده- صفت پرسشی- فعل امر- صفت شمارشی اصلی- فعل امر- ترکیب وصفی- ضمیر شخصی پیوسته- حرف عطف- حرف اضافه ساده- قید مکان- حال اخباری فعل داشتن	دستور
حیوانات اهلی (گربه)	واژگان
آشنایی با حیوانات	کارکرد

«دور پنجم (گنجشک)»

بچه‌ها: عمو زنجیرباف

عمو زنجیرباف: بعله

- زنجیر ما رو بافتی؟

- بعله

- پشت کوه انداختی؟

- بعله

- بابا اومده

- چی چی آورده؟

- یه قبای شیک

- بخور و بیا

- با صدای چی؟

- جیک جیک جیک

جیک و جیک و جیک می خونم

گنجشک مهربونم

گل پونه، لاله پونه

پر می کشم از لونه

تو آفتاب و تو بارون

دون می چینم فراوون

از آسمون می ریزه

بارون ریزه، ریزه

خورشید میاد دوباره

از پشت ابر پاره

پهن می شه در آسمون

قالی رنگین کمون

نشان را- ضمیر شخصی جدا و پیوسته- قید مکان- صفت پرسشی- فعل امر- اسم مفرد- حرف اضافه ساده- حال اخباری- ترکیب وصفی- اسم مرکب- گونه گفتاری- قید تکرار- فعل مرکب	دستور
حیوانات (گنجشک)	واژگان
آشنایی با حیوانات	کارکرد

«دور ششم (کبوتر)»

- بچه‌ها: عمو زنجیرباف
 عمو زنجیرباف: بعله
 - زنجیر ما رو بافتی؟
 - بعله
 - پشت کوه انداختی؟
 - بعله
 - بابا اومده
 - چی چی آورده؟
 - دون‌های خوشبو
 - بخور و بیا
 - با صدای چی؟
 - بق، بق بقو

بق بق منم کبوتر
کبوتر نامه‌بر
 پر دارم و بال دارم
 روی تنم خال دارم
 دنبال آب و دونم
 بق بق بقو می‌خونم
 بال می‌زنم حسابی
 در آسمون آبی
 در هنر پریدن
 از همه بهترم من
 (اسدالله شعبانی)

فعل گذشته - شناسه فعلی - مطابقت نهاد با فعل - صفت پرسشی - نشان جمع - فعل امر - حال اخباری فعل داشتن - حرف اضافه ساده - صفت تفضیلی - ضمیر مبهم - اسم مفرد - حرف نشانه را - قید مکان - ضمیر شخصی جدا - مصدر - ترکیب وصفی	دستور
حیوانات (کبوتر)	واژگان
آشنایی با حیوانات	کارکرد

«اعضای خانواده»

«خانواده»

مانند دست است هر خانواده
هر کس یک انگشت، در خانواده
بابا در این دست، انگشت شست است
آن که نخستین انگشت دست است
انگشت بعدی یعنی نشانه
او مادر ماست، خانم خانه
انگشت سوم یعنی برادر
اینجا نشسته، پهلوی مادر
پس این یکی کیست، انگشت دیگر
آری درست است، او هست خواهر
من هستم آخر، انگشت کوچک
انگشت‌ها را تو دیدی تک تک

(فاطمه ادیبی)

حرف اضافه ساده- صفت اشاره- ترکیب اضافی- ترکیب وصفی- قید ترتیب- صفت شمارشی ترتیبی- ضمیر شخصی جدا- نشان جمع (ها)- حرف نشانه را- ضمیر مبهم	دستور
اعضای خانواده	واژگان
صحبت کردن در مورد خانواده	کارکرد

«پدر بزرگ و مادر بزرگ»

پدر بزرگ خوبم

وقتی که پیشم باشه

مادر بزرگ نازم

هر چی غذا می‌پزه

وقتی با اون‌ها باشم

دنیا برام قشنگه

همیشه مهربونه

برام کتاب می‌خونه

خیلی برام عزیزه

خوشمزه و لذیذه

غصه و غم ندارم

هیچ چیزی کم ندارم

(فاطمه ادیبی)

گونه گفتاری - قید زمان - ضمیر شخصی پیوسته - امر فعل بودن - حرف عطف - ضمیر اشاره - فعل منفی - ضمیر مبهم - حال اخباری فعل بودن - قید مقدار	دستور
اعضای خانواده	واژگان
صحبت کردن در مورد اعضای خانواده	کارکرد

«کجایش شبیه منه؟»

مامان پری نی نی ش رو

امروز آورد به دنیا

یه دختر کوچولو

شکل مامان و بابا

همه می گن که چشم هاش

شبیه خاله جونه

خال روی لپش هم

شبیه اونه

دماغ اون شبیه به

دماغ عمه هاشه

سرش که مو نداره

شکل سر باباشه

خندهش شبیه مامان

اخمش شبیه باباست

بقیه جاهاشم

حتما به شکل اون هاست

(ناصر کشاورز)

یه ساعته کارشون

نقطه شبیه کردند

چرا یکی نمی گه

کجاش شبیه منه!؟

حرف نشانه را - حرف اضافه ساده - گونه گفتاری - ضمیر شخصی پیوسته - شناسه فعلی صفت اشاره - فعل منفی - ضمیر پرسشی - ضمیر مبهم - قید تاکید = ضمیر شخصی جدا	دستور
اعضای خانواده - اعضای بدن	واژگان
صحبت کردن در مورد خانواده - توصیف اعضای بدن	کارکرد

«آب، بابا، ماما»

خواهر من، شیرین

بچه‌ای کوچولوست

تاب هم دارد او

تاب او یک ننوست

فصل تابستان بود

وقتی آمد بدنیا

او فقط یک دفعه

دیده هر فصلی را

تا دو ماه دیگر

می‌شود یک سالش

من به او می‌خندم

می‌کنم خوشحالش

او به من می‌گوید:

«آب، بابا، ماما»

قد صد تا دریا

دوست دارم او را

(از کتاب شعرهای شیرین برای بچه‌ها)

حال اخباری-گونه گفتاری-حرف اضافه ساده-اسم مفرد-ضمیر شخصی جدا-فعل گذشته ساده-فعل ساده-ضمیر شمارشی اصلی-شناسه فعلی-واحد شمارش تا- ضمیر شخصی پیوسته- حرف نشان را- حال اخباری فعل داشتن- قید زمان	دستور
اعضای خانواده	واژگان
صحبت کردن در مورد خانواده	کارکرد

«دایی و چایی»

می‌رم کنار دایی

با قندون و با چایی

دای می‌گه: عزیزم

یه بوس بده به دایی:

یه دفعه قاتی می‌شه

اسم من و دایی جون

به من می‌گه: دایی جون

دست نرنی به قندون

(اسدالله شعبانی)

حرف نشانه را - حرف اضافه ساده - گونه گفتاری - ضمیر شخصی جدا-صفت شمارش اصلی - فعل امر منفی - ضمیر شخصی جدا-قید مکان	دستور
اعضای خانواده	واژگان
صحبت کردن در مورد خانواده	کارکرد

«لباس - پوشش»

(لباس مناسب فصل - پوشش ایرانی)

«دامن»

دامن من چین چینه

آبی آسمونیه

ستاره‌های ریزه داره

فقط مال مهمونیه

وقتی که من چرخ می‌زنم

تموم چین‌هایش وا می‌شن

رو آسمون دامنم

ستاره‌ها پیدا می‌شن

(از کتاب شعرهای شیرین برای بچه‌ها

مجموعه شاعران)

ترکیب وصفی-حال اخباری-نشانه جمع-مالکیت- فعل پیشوندی-اسم مفرد-فعل متعددی-ترکیب اضافی- حال اخباری فعل داشتن	دستور
لباس (دخترانه)	واژگان
نظر دادن راجع به لباس	کارکرد

«دکمه شل»

دکمه من شل شده

دلش می خواد بیفته

باید بدوزمش من

مامانم این رو گفته

نه نمی خوام بدوزم!

می خوام که آزاد باشه

هر جا دلش خواست بره

خوشحال و دلشاد باشه

(مجموع شاعران)

(از کتاب شعرهای شیرین برای بچه‌ها)

حال اخباری-فعل متعددی-فعل منفی- فعل التزامی- اسم مرکب-حرف عطف-مطابقت فعل با نهاد-فعل کمکی باید	دستور
مربوط به لباس (دکمه - دوختن)	واژگان
نظر دادن راجع به لباس	کارکرد

«روپوش تازه»

یک کیف تازه دارد

در دست خود فریبا

کیف قشنگ او هست

ابی به رنگ دریا

پوشیده تازه امروز

روپوش تازه‌اش را

روپوش تازه او را

چون ماه کرده زیبا

چون برگ گل تمیز است

چون غنچه شاد و خندان

همراه مادر خود

او می‌رود دبستان

او می‌رود بخواند

دارا انار دارد

لبخند مهربانش

بوی بهار دارد

(احمد خدادوست)

صفت شمارش اصلی-حرف اضافه ساده-ترکیب وصفی- قید زمان-ضمیر شخصی پیوسته-قید کیفیت-مطابقت فعل با نهاد-ضمیر شخصی جدا-فعل متعددی-شناسه فعلی-حرف نشانه را-حال اخباری فعل داشتن-ضمیر مشترک	دستور
لباس (مربوط به پوشش مدارس ایران)	واژگان
نظر دادن راجع به لباس-آشنایی با پوشش مدرسه دخترانه	کارکرد

«برف بازی»

دوباره برف می‌بارد از آسمون

سفید شده باز کوچه و خیابون

با دستکش و کلاه و شال گردن

بیرون می‌رم برای بازی کردن

تو این هوا سر سره بازی خونه

اگه آدم برفی بسازی خوبه

سر می‌خورم می‌خندم و می‌افتم

بازی چه کیفی داره، من که گفتم

(بابک نیک طلب)

قید تکرار- حال اخباری-حرف اضافه ساده-حرف عطف- اسم مرکب-فعل مرکب-صفت اشاره-حرف اضافه مکان- حرف ربط ساده- اسم مفرد= قید مقدار= حال اخباری فعل داشتن	دستور
لباس (مناسب زمستان)	واژگان
آشنایی با لباس فصل سرما-نظر دادن در مورد لباس	کارکرد

«دامن»

مامانی دامنش رو

انداخته روی طناب

فکر می کنم دامنش

خوابیده زیر آفتاب

نسیم می آد یهوویی

بر می داره دامنو

نمیشنوه مامانی

سرو صدای منو

می گم آهای دیوونه!

کجا می ری، لب بام؟

اون دامنو دست نزن

الان می گم به بابام

(محمد کاظم مزینانی)

ضمیر شخصی پیوسته-حرف نشانه را-فعل منفی-ضمیر پرسشی-ترکیب اضافی-صفت اشاره-حرف اضافه ساده-فعل مرکب-حال اخباری-قید زمان-اسم مفرد= قید مکان	دستور
لباس	واژگان
آشنایی با لباس زنانه-نظر دادن راجع به لباس	کارکرد

«کلاه قرمز»

کلاه قرمزم کو؟

همون که مادرم بافت

چه زحمتی کشید او

اندازه سرم بافت

روی کلاه من بود

عکس دو تا بچه موش

گره، به من بگو زود

کلاه قرمزم کوش!

(کتاب شعرهای شیرین برای بچه‌ها

مجموع شاعران)

ترکیب وصفی—گذشته ساده- ضمیر اشاره-واحد شمارش تا-فعل امر-حرف اضافه ساده-صفت شمارشی اصلی ضمیر شخصی جدا-ضمیر پرسشی	دستور
کلاه (لباس پوشش)	واژگان
نظر دادن در مورد ظاهر پوشش	کارکرد

«حمل و نقل»

(وسایل نقلیه)

«آتش نشانی»

ماشین آتش نشانی

هم بوق داره، هم صدلی

هر جا که آتیش سوزیه

می رسه بی معطلی

«آمبولانس»

این ماشین آمبولانسه

آژیر کشون می رسه

وقتی مریض می شیم ما

به یاریمون می رسه

«پلیس»

این ماشین پلیسه

که دزد داره می گیره

آژیر کشون با سرعا

دنبال دزدا می ره

«تاکسی»

تاکسی حالی منتظره

منتظر مسافر

از این محل به اون محل

مسافراشو میبره

«کامیون»

این کامیون بار می کشه

بارو تا انبار می کشه

راننده اش صبح تا غروب

از این ماشین کار می کشه

(شکوه قاسم نیا)

<p>حال اخباری-حرف اضافه ساده-صفت اشاره-فعل مرکب-حرف نشانه را-ترکیب وصفی-حرف اضافه مکان-گونه گفتاری-مطابقت فعل با نهاد-فعل مرکب- حال اخباری فعل داشتن- حرف اضافه مکان- حرف ربط</p>	دستور
وسایل نقلیه	واژگان
آشنایی با انواع وسیله نقلیه	کارکرد

«توبوس»

من اتوبوسم، اتوبوس واحد

کارم مسافر کشیه، همیشه

اتاقم از مسافر هی پر و خالی می شه

با چهارتا چرخ قلقلی، راه می رم

ایستگاه به ایستگاه می رم

ضمیر شخصی جدا-ترکیب اضافی-قید زمان-حرف اضافه ساده-صفت شمارش اصلی-واحد شمارش تا ترکیب وصفی- حرف عطف-حال اخباری	دستور
وسایل حمل و نقل عمومی	واژگان
اطلاعات در مورد وسایل حمل و نقل	کارکرد

«ماشین»

یه دسته ماشین قشنگ

ریز و درشت و رنگارنگ

تو خیابون میان و میرن

بعضی مسافر می گیرن

ترمز دارن، دنده دارد

آقای راننده دارن

این سواری، اون مینی بوس

هر دو قشنگ، مثل گلن

آقای راننده میاد خوشحال و خوش خنده میاد

به پشت فرمون میشینه، اطرافشو خوب می بینه

وقتی ماشین روشن میشه، دود تو هوا بلند میشه

اسم جمع-صفت شمارش اصلی- ترکیب وصفی - ترکیب عطفی-حال اخباری فعل داشتن-ضمیر اشاره-حرف نشانه را- حال اخباری- قید مکان- اسم مفرد= ضمیر شخصی پیوسته	دستور
وسایل حمل و نقل (ماشین-مسافر-خیابان-ترمز- دنده-راننده-زمان)	واژگان
اطلاعات در مورد وسایل نقلیه	کارکرد

«قطار»

تلق تلق قطار اومد هم مسافر بار اومد

به دیوارهای آهنی به شیشه‌هاش سنگ نزی

قطار اتاق داره تو اتاقش چراغ داره

کابین اسم اتاقشه، یک رستوران همراهشه

یک سوت خیلی خوب داره صندلی مرغوب داره

از روی ریل می‌گذره ما رو با خودش می‌بره

اون آقاهه نگهبانه اسمش اقا سوزن بانه

مواظبه که این قطار از روی ریل نره کنار

از یک بشمار تا صد بشه از دشت و کوه‌ها رد بشه

صفت شمارش اصلی-حرف اضافه ساده-ترکیب وصفی-قید زمان-ضمیر شخصی پیوسته-قید کیفیت-مطابقت فعل با نهاد-ضمیر شخصی جدا- فعل متعددی-شناسه فعلی-ضمیر مشترک-اسم مفرد-حال اخباری فعل داشتن-ضمیر شخصی پیوسته	دستور
لباس (مربوط به پوشش مدارس ایران)	واژگان
نظر دادن راجع به لباس-آشنایی با پوشش مدرسه دخترانه	کارکرد

«وسایل نقلیه»

خلبان تو آسمون

هواپیما سواره

داره مسافرارو

به فرودگاه میاره

با اون همیشه سفر کرد

میون اب دریا

ماشین راننده داره

کشتی داره ناخدا

راننده یک موتور

روی سرش کلاهه

گاز میده و تند میره

واسه سفر توراهه

(مهری طهماسبی رویکردی)

حرف اضافه ساده-حرف نشانه را-حرف اضافه مکان-حال اخباری-صفت شمارش اصلی--فعل متعددی-ضمیر شخصی پیوسته-اسم مفرد-حال اخباری فعل داشتن- ترکیب اضافی	دستور
لباس (مربوط به پوشش مدارس ایران)	واژگان
نظر دادن راجع به لباس-آشنایی با پوشش مدرسه دخترانه	کارکرد

«حمل و نقل»

متروام و متروام

خیلی قشنگم، توام

یه سالن دراز دارم، همیشه

که از مسافر پرو خالی میشه

قطارم و زیرزمین، راه می‌رم

ایستگاه به می‌رم

(اسدالله شعبانی)

ضمیر شخصی پیوسته-صفت شمارش اصلی-حرف عطف عطف- حال اخباری-حرف اضافه ساده-قید مقدار-قید زمان- حال اخباری فعل داشتن	دستور
وسایل نقلیه عمومی (مترو)	واژگان
آشنایی با مترو و قطار	کارکرد

«قطار»

قطار توی راه آهن مارو سوار می کنه

«کشتی»

هر کی که مشهد میره فکر قطار می کنه

کشتی ها روی دریا این و اون و می رن

«اتوبوس»

به هر کجای دنیا مسافر رو می برن

تو ترمینال اتوبوس خیلی خیلی زیاده

«موتور»

بعضی می خوان سوار شن بعضی میشن پیاده

برادر بزرگم خودش موتور سواره

«آمبولانس»

با موتور قشنگش هر روز میره اداره

وقتی کسی مریض شد با آمبولانس می برن

«دوچرخه»

خیلی با سرعت میرن زندگیشو می خرن

برادر کوچکم خودش دوچرخه داره

دور حیاط می گرده بچه ی آتیش پاره

حال اخباری - حرف نشانه را - ضمیر مبهم - گونه گفتاری - فعل مرکب - ضمیر اشاره - حرف اضافه ساده - قید زمان - فعل لازم - فعل متعددی - قید مقدار - گذشته ساده - ضمیر مشترک	دستور
وسایل حمل و نقل عمومی -	واژگان
اطلاعات در مورد وسایل حمل و نقل	کارکرد

«ایام هفته»

«روزهای هفته»

شنبه شروع هفته‌ست	چه خوبه پنج‌شنبه‌ها
وقت تلاش و کاره	<u>دوستش</u> دارن بچه‌ها
یک‌شنبه و دو‌شنبه	شبش <u>رو</u> زود <u>می‌خوابن</u>
<u>هرکسی</u> کاری <u>داره</u>	در انتظار فردا
سه،سه،سه،سه،سه‌شنبه	وقتی رسید به جمعه
روز میون هفته‌ست	هفته دیگه تمومه
وقتی که چهارشنبه <u>شد</u>	هرکسی خوش نباشه
روز سه‌شنبه رفته است	هفته‌ی <u>اون</u> حرومه

حرف عطف - گونه گفتاری - ضمیر مبهم - نشانه جمع - حال اخباری فعل داشتن - حال اخباری - ضمیر اشاره - حرف ربط ساده - حرف نشانه را - گذشته ساده - ضمیر شخصی پیوسته	دستور
ایام هفته	واژگان
بیان زمان	کارکرد

چرخ چرخ عباسی

خدا منو ندازی

شنبه شد و یکشنبه

دوشنبه و سهشنبه

چهارشنبه روز به روزه

پنجشنبه نصف روزه

جمعه است وقت بازی

خدا منو ندازی

(ثمینه باغچه بان)

فعل نفی - حرف عطف - ضمیر شخصی - گونه گفتاری - ترکیب اضافی	دستور
ایام هفته	واژگان
بیان زمان	کارکرد

«فردا»

مامان من و داداش را

فردا به گردش می برد

گفته برای ما دوتا

اسباب بازی می خرد

لطفاً خدا کاری بکن

فردا بیاید زودتر

خورشید خانم خسته است

او را همین الان ببر

او را ببر تا باز ماه

در آسمان پیدا شود

فوری همه لالا کنیم

تا زودتر فردا شود

(مریم هاشم پور)

حرف نشانه را - حرف اضافه ساده - صفت شمارشی	دستور
اصلی - حال اخباری - فعل امر - ضمیر مبهم - ضمیر شخصی جدا - مالکیت - قید زمان - صفت تفضیلی	
زمان - (فردا - فوری - زودتر - الان)	واژگان
بیان زمان	کارکرد

«رنگ‌ها»

«رنگ ها»

دنیای خوب خدا پر از رنگ <u>بچه‌ها</u>	دوتا چراغ زردن همه جارو زیبا کردن
آبی و زرد و قرمز، سبز و سفید و سیاه	<u>این گل خوشگل رزه</u> ، چه رنگیه؟ قرمز
<u>بیاین آشنا بشیم با رنگ‌ها</u>	<u>گل سرخ</u> چه قشنگه، چقدر خوش آب و رنگه
هم دریا، هم آسمون، آبی هردوتاشون	سبز برگ <u>درختا</u> ، سبز ساقه گل-ها
روزا که آفتابیه، رنگ <u>آسمون آبی</u>	رنگ <u>چمن</u> که سبزه، سبزی باغ و سبزه
سفیده رنگ ابر، <u>اون بالا بالا بالا</u>	<u>کلاغ سیاه رنگش</u> ، بال و پر قشنگش
مثل پنجه و پنیر، سفیده هم رنگ شیر	قار و قار میکنه، <u>همه</u> رو بیدار میکنه
خورشید و ماه روشن، دنیا رو نور می‌پاشن	دنیای خوب خدا، پر از رنگ <u>بچه‌ها</u>

دستور	فعل امر - ترکیب وصفی - ترکیب عطفی - حال التزامی - نشانه جمع - صفت شمارشی اصلی - ضمیر پرسشی - گونه گفتاری - ضمیر اشاره - واحد شمارش تا - حرف نشانه‌ی را - ترکیب اضافی - ضمیر شخصی پیوسته - حرف نشانه را
واژگان	رنگ‌ها
کارکرد	توصیف و بیان رنگ‌ها

«رنگ سبز»

من رنگ سبزم برگ درختم

گاهی لباسم، بر بند رختم

من رنگ سبزم، رنگ بهارم

هم پیش گل‌ها، هم پیش خارم

من گوجه سبزم، رگ خیارم

من رنگ برگم، رنگ بهارم

ضمیر شخصی جدا- ضمیر شخصی پیوسته- فعل لازم - مطابقت فعل با نهاد - گذشته ساده - گونه گفتاری - نشانه جمع - قید زمان	دستور
رنگ‌ها - رنگ اصلی	واژگان
توصیف و بیان رنگ‌ها	کارکرد

«رنگ آبی»

من رنگ دریا هستم، زیبای زیبا هستم

آسمان را نگاه کن، می بینی آن جا هستم

اگر گفתי چه رنگم، من که خیلی قشنگم

به به، به به چه عالی، رنگ زیبای آبی

ضمیر شخصی جدا- فعل امر - حال اخباری - فعل لازم - فعل متعددی - اسم مفرد - حرف ربط ساده - مطابقت فعل با نهاد- ضمیر اشاره	دستور
رنگها - رنگ اصلی	واژگان
توصیف و بیان رنگها	کارکرد

«خاکستری»

به من میگن خاکستری، تو از سیاه روشن تری

یه رنگ سرد و بی صدا، خاکی و بی ناز و ادا

رنگ شن و ماسه و کوه، کوه بزرگ باشکوه

به رنگ ابر و رنگ دود، به رنگ سنگ توی رود

شناسه‌ی فعلی - ضمیر شخصی جدا - حرف ربط ساده - صفت تفضیلی - حرف عطف - ترکیب وصفی - صفت نسبی - حال اخباری - صفت شمارشی اصلی	دستور
رنگ‌ها - رنگ‌های فرعی - طبیعت	واژگان
توصیف و بیان رنگ‌ها	کارکرد

«رنگ قهوه‌ای»

اگر مرا دیده‌ای، به من میگن قهوه‌ای

رنگ کیوی، کاکائو

رنگ عدس و آلو

رنگ قهوه و نارگیل

خرما و رنگ ازگیل

کشمش، فندق و گردو

رنگ گوزن و آهو

قهوه‌ای را تو بردار، بکش به میمون و متر

برای هر درختی، بکش لباس و رختی

ساقه و شاخه بگذار تا بدهد برگ و بال

نقاشی کن تو بسیار بزن به روی دیوار

دستور	فعل امر- حرف ربط ساده- ضمیر شخصی جدا- حرف عطف- صفت نسبی- حرف ربط ساده- فعل مرکب- اسم مفرد
واژگان	رنگ‌ها- رنگ فرعی- میوه‌ها- حیوانات
کارکرد	توصیف و بیان رنگ‌ها

«رنگ‌ها»

آفتاب مهتاب چه رنگه؟

ولی یه خرده تنگه	آفتاب مهتاب چه رنگه
رنگین کمونه انگار	موهای من قشنگه
دوستش دارم هزار بار	موهای من سیاهه
آفتاب مهتاب چه رنگه	مامان می‌گه چه ماهه
شلوار من قشنگه	خریده باز مامان جون
سبزه به رنگ برگاست	یک گل سر براشون
سبزه‌ی توی صحراست	آفتاب مهتاب چه رنگه
شلورا من که سبزه	شونه‌ی من قشنگه
هرچی بگی می‌ارزه	صورتیه نگاه کن
آفتاب مهتاب چه رنگه	نگاه به دندوناش کن
چشمای من قشنگه	شونه‌ی زیبای من
قهوه‌ای رنگه چشمام	دوسته با موهای من
خیلی قشنگه چشمام	آفتاب مهتاب چه رنگه
چشمای من که زیباست	کفشای من قشنگه
رنگ دو چشم باباست	بین چه رنگارنگه
آفتاب مهتاب چه رنگه	

دستکش من قشنگه

نارنجی رنگ به به

وای چه قشنگه به به

اونو خریده بابا

گرما می ده به دستام

آفتاب مهتاب چه رنگه

جوراب من قشنگه

جوراب من که زیباست

آبیه رنگ دریاست

به رنگ آسمونه

هدیه خاله جونه

آفتاب مهتاب چه رنگه

کلاه من قشنگه

زرد و قشنگ و زیباست

خورشید آسمون هاست

کلاه من چه ماهه

قشنگ ترین کلاهه

آفتاب مهتاب چه رنگه

پیراهنم قشنگه

پیراهنم سفیده

دایی برام خریده

به رنگ برف و یاسه

قشنگ ترین لباسه

آفتاب مهتاب چه رنگه

شالم چه قدر قشنگه

شالم که قد بلنده

قرمزه روی بنده

بافته برام مامان جون

می پوشمش زمستون

(افسانه شعبان نژاد)

<p>ضمیر پرسشی - گونه گفتاری - فعل امر - قید مقدار - ضمیر شخصی جدا و پیوسته - صفت عالی - حال اخباری - صفت شمارشی اصلی - ضمیر اشاره - ترکیب اضافی - حرف عطف - حرف ربط ساده- مالکیت- اسم مفرد- ضمیر پرسشی- ترکیب وصفی- صفت نسبی</p>	<p>دستور</p>
<p>رنگ‌های اصلی و فرعی - لباس‌ها</p>	<p>واژگان</p>
<p>توصیف و بیان رنگ‌ها</p>	<p>کارکرد</p>

«اعضای خانواده»

«دو تا پا»

پا پا...

دوتا پا

با این دو پا گل می‌زنم توی زمین فوتبال

چه خوشحال!

می‌دوم و راه می‌رم و می‌ایستم

پای قوی دارم و فوتبالیستم

با این دوپا

بالا و پایین می‌پریم

چه خوبه که می‌تونم

خدا جونم

تو پا برام آفریدی

ممنونم!

(مریم هاشم پور)

صفت شمارشی اصلی - واحد شمارش تا- حرف اضافه ساده - حال اخباری - ترکیب اضافی - ترکیب عطفی- فعل مرکب - قید مکان- ضمیر شخصی پیوسته و جدا- حال اخباری فعل داشتن- ترکیب وصفی- مالکیت- قید مکان	دستور
اعضای بدن (پا)	واژگان
توصیف اعضای بدن	کارکرد

«دو تا دست»

خدا با دست می تونم

باغچه رو گل کاری کنم

گل ها رو آبیاری کنم

خلاصه هر کاری کنم!

کار می کنم با این دو دست

خب آخه من باغبونم

تو دست امو آفریدی

خدایا خیلی ممنونم

(مریم هاشم پور)

حرف اضافه ساده - نشانه جمع - حال اخباری - نشان را - فعل مرکب - صفت اشاره - صفت شمارشی اصلی - شناسه فعلی - مطابقت فعل با نهاد - اسم مرکب - ضمیر شخصی جدا و پیوسته - قید مقدار - ضمیر مبهم	دستور
اعضای بدن (دست)	واژگان
توصیف اعضای بدن	کارکرد

«دو تا چشم»

چشم چشم

دو تا چشم

خدا جونم با چشم

هر چیزی رو می بینم

یه عالمه ستاره

از آسمون می چینم

سوزن و نخ می آرم

می رم سراغ کارم

ستاره ها رو می دوزم به دامن

دامن کی؟

عروس خانم که رفته گل بچینه

منتظرم زودی بیاد

دامنشو ببینه

(مریم هاشم پور)

صفت شمارشی اصلی - واحد شمارش تا- ضمیر شخصی جدا
- حرف نشانه را - حال اخباری - حرف اضافه ساده - حرف
عطف - ضمیر پرسشی - فعل امر- اسم مفرد- قید زمان-
ضمیر شخصی پیوسته

دستور

اعضای بدن (چشم)

واژگان

توصیف اعضای بدن

کارکرد

«دوست و پوست»

همه پوست دارند

منم پوست دارم

من پوست خود را

خیلی دوست دارم

چون که تن من

توی این پوسته

پوست من برام

بهترین دوسته

(اسدالله شعبانی)

ضمیر مبهم - حال اخباری فعل داشتن - مطابقت فعل با نهاد - ضمیر شخصی جدا و پیوسته - صفت اشاره - صفت عالی - حرف نشان را - ضمیر مشترک - مالکیت - قید مقدار	دستور
اعضای بدن (پوست)	واژگان
توصیف اعضای بدن	کارکرد

«خوراکی»

(مواد خوراکی - میوه‌جات - مزه‌ها -

سبزیجات - وعده‌های غذایی و ...)

«پیاز»

تو دستای مامانم

پیازی تند و تیزه

با چاقو روش میزنه

تا بشه ریزه ریزه

چرا مامان گریه کرد؟

کی می‌دونه، یه رازه!

شاید دلش می‌سوزه

برای اون پیازه

(از کتاب شعرهای شیرین برای بچه‌ها

مجموع شاعران)

حرف اضافه ساده_ ضمیر شخصی پیوسته_ حرف عطف_ حرف ربط ساده_ ضمیر پرسشی_ صفت شمارشی اصلی_ حال اخباری_ صفت اشاره- مالکیت	دستور
خوارکی‌ها (سبزیجات)	واژگان
خرید کردن_ آشنایی با سبزیجات	کارکرد

«گیلاس بود»

رفتم بالا، گیلاس بود

خوشکل و خوش لباس بود

رو شاخه‌ها تاب می‌خورد

آفتاب و مهتاب می‌خورد

صورتشو بوسیدم

ولی اونو نچیدم

اومدم پایین، گوش بود

گوش، مال خرگوش بود

به جای گوشواره هم

دو تا گیلاس، روش بود

(ناصر کشاورز)

دستور	فعل گذشته_ شناسه فعلی_ نشان جمع (ها)_ حرف نشانه را_ حرف ربط ساده_ صفت شمارشی اصلی_ واحد شمارش تا_ مالکیت_ حرف عطف- فعل منفی
واژگان	خوراکی‌ها_ (میوه)
کارکرد	خرید کردن_ آشنایی با میوه‌ها

«خوراکی‌های خوش‌رنگ»

در سفره‌ی ما، مثل هر روز

یک پارچ آب پرتقال است

در گوشه‌ای سیب و گلابی

در گوشه‌ای موز و بلال است

در آن وسط دیس برنج است

پهلوی آن هم آش رشته

سیخ کباب و سیخ گوجه

روی دو تا نان برشته

ای کاش می‌شد ذره‌ای خورد

از این همه چیزی که این‌جاست

چون این خوراکی‌های خوش‌رنگ

عکسش فقط در سفره‌ی ماست

(مریم اسلامی)

حرف اضافه ساده_ صفت شمارشی اصلی_ ترکیب اضافی_ حرف عطف_ ضمیر اشاره_ فعل گذشته_ ضمیر مبهم_ ضمیر شخصی پیوسته- ترکیب وصفی- نشانه جمع	دستور
خوراکی‌ها	واژگان
آشنایی با خوراکی‌ها و غذا	کارکرد

«بلال بود»

رفتم بالا، بلال بود

بلاله سبز و کال بود

موی طلایی رنگ داشت

دندونای قشنگ داشت

شیری بودند دندوناش

دستش زدم، گفت: یواش

اومدم پایین، ذغال بود

رو آتیشاش بلال بود

مثل خودم خوش حال بود

(ناصر کشاورز)

دستور	فعل گذشته_ مطابقت فعل با نهاد_ شناسه فعلی_ نشان جمع_ اسم مرکب_ واو عطف_ ضمیر شخصی پیوسته_ ترکیب وصفی- قید مکان- فعل مرکب- ضمیر مشترک
واژگان	خوراکی (سبزیجات)
دسته	خرید کردن_ اطلاعات در مورد سبزیجات

«نون بود»

رفتم بالا، نون بود

چه نونی؟ تافتون بود

خوردم دیدم چه نرمه

چه خوبه وقتی گرمه

اومدم پایین تنور بود

تو اون آتیش و نور بود

کاری کارستون می کرد

سختها رو آسون می کرد

خمیرها رو می گرفت

می پخت و تافتون می کرد

(ناصر کشاورز)

فعل گذشته_ فعل لازم_ فعل متعددی_ نشان جمع_ حرف نشانه را_ ضمیر پرسشی_ قید مکان_ حرف عطف	دستور
خوراکیها_ (نان)	واژگان
خرید کردن_ امور روزمره	کارکرد

«اعیاد و مراسم ملی»

«ماهی طلایی»

کاش بخره برای من بابایی
نزدیک عید یه ماهی طلایی

همونی که به هر جا سر می‌زنه
تو آب مثل پرنده پر می‌زنه

یه لحظه آروم و قرار نداره
همیشه چشمش بازه و بیداره

کاشکی بیاد و مهمون ما بشه
سفره‌ی هفت‌سین ما زیبا بشه
(بابک نیک طلب)

فعل امر_ مالکیت_ ضمیر شخصی جدا_ قید زمان_ صفت شمارشی اصلی_ ترکیب وصفی_ حرف اضافه ساده_ حرف عطف_ فعل منفی_ ضمیر شخصی پیوسته و جدا-	دستور
مراسم ملی (عید)	واژگان
صحبت کردن در مورد عید نوروز	کارکرد

«شیرینی و گل»

همسایه‌مون امشب عروسی داره

نقل از هوا مثل تگرگ می‌باره

عسل و گلاب، شیرینی و گل آوردند

آئینه و آب، ساز و دهل آوردند

گوشه‌ی اتاق سفره‌ی عقد و چیدند

مهمونا از نزدیک و دور رسیدند

خدا کنه هیچ چیزی کم نباشه

شادی زیاد باشه و غم نباشه

(بابک نیک طلب)

ضمیر شخصی پیوسته_ قید زمان حال اخباری فعل داشتن_ حرف اضافه ساده_ حال اخباری_ حرف عطف_ فعل گذشته ساده_ ترکیب اضافی_ قید مکان_ ضمیر مبهم_ فعل منفی_ قید مقدار	دستور
مراسم و آیین ملی	واژگان
صحبت کردن در مورد مراسم و ازدواج	کارکرد

«حالا که بهاره»

دوباره عید اومد و نوروز اومد
توی خیابون حاجی فیروز اومد
حاجی فیروز پیرهن قرمز داره
سربه سر هر کی بخواد میذاره
هی می گه ارباب خودم، نگا کن
اخماتو واکن، سرتو بالا کن
بزبز قندی، گل اومد دوباره
چرا نمی خندی؟ حالا که بهاره
(بابک نیک طلب)

قید تکرار_ اسم مرکب_ حرف اضافه ساده_ ترکیب وصفی_ ضمیر مبهم_ حال اخباری_ ضمیر مشترک_ فعل امری_ ضمیر شخصی پیوسته_ قید مکان_ صفت نسبی_ گونه گفتاری	دستور
مراسم ملی (عید نوروز)	واژگان
صحبت کردن در مورد عید نوروز	کارکرد

«سفره‌ی هفت سین»

آب شده برف کوچه

بهار می‌آد دوباره

مامان جونم تو بشقاب

سبزه برام می‌کاره

دوباره دنیای من

نو می‌شه، زیبا می‌شه

سفره‌ی هفت سینِ عید

تو خونه‌مون وا می‌شه

(اسدالله شعبانی)

ترکیب اضافی_ حال اخباری_ شناسه فعلی_ حرف اضافه ساده_ ضمیر شخصی پیوسته_ قید تکرار_ صفت شمارش اصلی_ اسم مفرد_ گونه گفتاری	دستور
مراسم و آیین ملی	واژگان
صحبت کردن در مورد عید نوروز	کارکرد

«عیدی»

عید شد، در خانه مان

باز مهمان آمده

خاله ام با دایی ام

با عموجان آمده

من شمردم می شوند

با پدرجان ده نفر

جانمی جان می شود

عیدی من پیش تر

(طیبه شامانی)

گذشته ساده_ حرف اضافه ساده_ قید تکرار_ ضمیر شخصی پیوسته_ صفت تفضیلی_ شناسه فعلی_ صفت شمارشی اصلی_ اسم مفرد_ حال اخباری	دستور
مراسم ملی	واژگان
صحبت کردن در مورد عید و عیدی رفتن	کارکرد

«شله زرد»

آش نذری پخته‌اند

خاله جان و مادرم

من در همسایه‌ها

آش نذری می‌برم

کوچه را پر کرده است

بوی خوب شله زرد

خوب شد امسال هم

خاله‌جانم نذر کرد

نذر کرده، خاله جان

صاحب دختر شود

من که اسمم شبنم است

دخترش شبدر شود

(احمد خدادوست)

صفت نسبی_ ضمیر شخصی پیوسته و جدا_ نشان جمع (ها)_ حال اخباری_ حرف نشان را_ قید زمان_ شناسه فعلی_ فعل گذشته ساده_ ترکیب وصفی	دستور
آیین مذهبی	واژگان
صحبت کردن در مورد آیین مذهبی	کارکرد

«محیط زیست»

(گیاهان - طبیعت)

«سرو کاج»

یک درخت سرو سبز

هست توی کوچه مان

کله‌ی پر برگ او

رفته توی آسمان

ایستاده پیش او

یک درخت سبز کاج

در خیالم کرده‌اند

آن دو با هم ازدواج

بارها دیدم که هست

دستشان در دست هم

در خیال آن دو تا

نیست اصلاً ابر غم

(فریدون سراج)

صفت شمارشی اصلی_ ترکیب اضافی و وصفی_ حرف اضافه ساده_ ضمیر شخصی پیوسته و جدا_ قید مکان_ ضمیر اشاره_ قید تکرار_ واحد شمارش تا	دستور
طبیعت (درختان)	واژگان
صحبت کردن در مورد درختان	کارکرد

«کتاب یعنی سیب»

ورق بزن گاهی

کتاب دریا را

ورق بزن گاهی

کتاب صحرا را

ورق ورق موج است

کتاب دریاها

ورق ورق برگ است

کتاب صحراها

کتاب دریا را

عمیق تر خواندم

کتاب صحرا را

دقیق تر خواندم

کتاب یعنی گل

کتاب یعنی باد

کتاب یعنی سیب

که از درخت افتاد

(غلامرضا بکتاش)

اسم مفرد_ فعل امر_ قید زمان_ نشان را_ نشان جمع (ها)_ ترکیب وصفی_ صفت تفضیلی_ گذشته ساده_ حرف اضافه ساده- ترکیب اضافی- اسم مفرد	دستور
طبیعت	واژگان
صحبت کردن در مورد طبیعت	کارکرد

«عروس باغ»

افتاده بود یه دونه

توی حیاط خونه

آهسته برداشتمش

تو باغچه مون کاشتمش

تشنه بود و آب می خواست

گرمی آفتاب می خواست

چند روز بعد اون دونه

آهسته زد جوونه

غنچه زد و چراغ شد

کم کم عروس باغ شد

(اسدالله شعبانی)

ترکیب اضافی_ صفت شمارشی اصلی_ حرف اضافه ساده_ گذشته ساده_ ضمیر شخص پیوسته_ حرف عطف_ قید زمان_ ضمیر مبهم_ ضمیر اشاره_ قید مقدار_ اسم مفرد_ شناسه فعلی	دستور
گیاهان (حوزه واژگانی گیاه)	واژگان
صحبت در مورد گیاهان و طبیعت	کارکرد

«یک روز خوب»

امروز روز خوبی ست

یک روز خوشگل و شاد

چون دوستم، بهاره

یک شاخه گل به من داد

حالا گل خودم را

در آب می گذارم

نه... بهتر است آن را

در باغچه بکارم

ای کاش این گل ناز

در خانه جان بگیرد

لطفاً خدا! کمک کن

ریشه کند، نمیرد

(مریم هاشم پور)

فعل امر- فعل مرکب- ترکیب وصفی- قید زمان- صفت شمارشی اصلی- حرف اضافه ساده- ضمیر شخصی پیوسته- صفت ترکیبی- گذشته ساده- ضمیر مشترک- حرف نشانه را- حال اخباری- ضمیر اشاره	دستور
گیاهان (واژگان مربوط به (واژگان گیاهان)	واژگان
صحبت کردن در مورد گیاهان	کارکرد

«قله خوشبخت»

قله‌ای خوشبخت هستم

خانه‌ام بالای کوه است

آشنا با من در آن جا

آسمان باشکوه است

صبح‌ها دست نوازش

می‌کشد خورشید بر من

شب به شب اطراف من را

می‌کند مهتاب روشن

با من آن جا دوست هستند

چند تکه ابر زیبا

گاه یک رنگین کمان هم

می‌شود همبازی ما

زیر پایم تا بخواهی

رود و دره، صخره و سنگ

گرچه من در اوج هستم

می‌شود گاهی دلم تنگ

پیش من ای کاش می‌شد

قله‌ای دیگر بیاید

تا غم تنهایی من

در کنارش سربیاید

(مهدی مرادی)

صفت شمارشی اصلی- حرف عطف- اسم مرکب- ضمیر شخصی پیوسته- قید مکان- حرف اضافه ساده- نشان جمع(ها)- حرف ربط ساده- ضمیر شخصی جدا- حال اخباری- ضمیر مبهم- قید زمان- فعل امر- ترکیب وصفی	دستور
طبیعت (محیط زیست)	واژگان
توصیف طبیعت	کارکرد

«تحصيل»

(مدرسه، لوازم التحرير و ...)

«مداد بود»

رفتم بالا، مداد بود

زرنگ و با سواد بود

نوک نوک می زد به دفتر

می رفت به این و راون ور

تیک تیک و تاک تاک می کرد

خط می کشید پاک می کرد

اومد پایین دفتر بود

زنگ چی بود؟ هنر بود

مداد برام موش کشید

گره و خرگوش کشید

(ناصر کشاورز)

دستور	قید مکان- فعل گذشته ساده- حرف ربط ساده - حرف اضافه ساده- ضمیر اشاره- ضمیر پرسشی- ضمیر شخصی پیوسته- حرف عطف- اسم مفرد- گونه گفتاری
واژگان	مدرسه (لوازم التحریر)
کارکرد	صحبت کردن در مورد تحصیل و درس خواندن

«بوی قدم‌های ما»

بوقه‌ی او مانده بود	مهر شد؛ باز هم
کنج حیاط، آس و پاس	مدرسه‌ها وا شده
دفتر جامانده‌ای	از گل و از دوستی
بود میان حیاط	پر شده، غوغا شده
باد ول هرزه‌ای	مدرسه‌مان ماهها
داشت در آنجا بساط...	ساکت و غمناک بود
حال پس از ماهها	نیمکت و تخته‌اش
لحظه‌ی روییدن است	غرق گچ و خاک بود
مهر شده؛ مدرسه	خستگی و غصه بود
چشم و دلش روشن است	در پس خمیازه‌اش
بوی قدم‌های ماست	ساکت و بی کار بود
در همه کوچه‌ها	توپش و دروازه‌اش
زنده شده مدرسه	بوی غم و ماندگی
با نفس بچه‌ها	داشت هوای کلاس

(سید سعید هاشمی)

قید تکرار- حرف اضافه ساده- فعل گذشته ساده- ضمیر شخصی پیوسته- حرف عطف- قید مکان- اسم مفرد- نشان جمع(ها)- مصدر- ضمیر مبهم- ترکیب اضافی- مصدر	دستور
مدرسه	واژگاہ
صحبت کردن در مورد مدرسه	کارکرد

«مداد بازیگوش»

مداد من بازیگوشه

مثل یه بچه خرگوشه

نوک داره تیز تیز تیز

لیز می خوره از روی میز

تا می شه نوبت حساب

قایم می شه زیر کتاب

می گه حالا، لالا لالا

باید بخوابیم ما دو تا

ضمیر شخصی جدا- ترکیب وصفی- اسم مفرد- واحد شمارش تا - حرف اضافه ساده- حال اخباری فعل داشتن- شناسه فعلی- حال اخباری- حرف ربط ساده- قید مکان- صفت شمارشی اصلی	دستور
مهد کودک و مدرسه	واژگان
حوزه واژگانی تحصیل- صحبت کردن در مورد درس خواندن	کارکرد

«صفات ظاهری»

(ظاهری و اخلاقی)

«چتری»

مامان می گه، چتريات

بلند شده دوباره

بعد می ره از رو طاچه

قیچی شو زود میاره

می خواد کوتاهش کنه

اشکای من در می آد

حوصله ی مامانم

از دست من سرمی آد

دلم می خواد چتريام

بلند باشه همیشه

تا وقتی بارون میاد

چشمای من تر نشه

(از کتاب شهرهای شیرین برای بچه ها

مجموع شاعران)

گونه گفتاری- حال اخباری- قید تکرار- حرف اضافه ساده- ضمیر شخصی پیوسته- قید زمان- نشان جمع- فعل پیشوندی- حرف ربط ساده- شناسه فعلی- ضمیر شخصی جدا	دستور
توصیف مو	واژگان
توصیف ظاهر افراد- توصیف مو	کارکرد

«متر خیاطی مامان»

قد من کوچکتر است از

متر خیاطی مامان

شب به شب قد خودم را

می‌کنم اندازه با آن

می‌برد این متر از من

بعد میگیرد قیافه

شکل باریک و درازش

می‌کند من را کلافه

من لجم می‌گیرد و زود

می‌روم روی ترازو

می‌شود سنگینی من

نوزده با نیم کیلو

وزن من خیلی زیاد است

می‌برم از متر مامان

تازه قدم سال دیگر

می‌شود اندازه با آن

(شعرهای شیرین برای بچه‌ها)

گروه شاعران

صفت تفصیلی- ترکیب اضافی- حرف اضافه ساده- حرف نشانه را- صفت اشاره- حرف عطف- حال اخباری- ضمیر شخصی پیوسته- قید مقدار- قید تکرار- صفت شمارشی اصلی- ضمیر مشترک- اسم مفرد	دستور
توصیف صفات ظاهری انسان	واژگان
توصیف ظاهر افراد	کارکرد

«مو»

شاخه و برگ و میوه

موهای هر درختن

بعضی موها فروری

بعضی ها صاف و لختن

تو هم خودت درختی

موهات فره یا صافه؟

وقتی موهات بلند شد

بگو مامان ببافه

(یحیی علوی فرد)

دستور	حرف عطف- نشانه جمع (ها)- حرف ربط ساده- ضمیر شخصی پیوسته- فعل امر- ضمیر مشترک- قید کیفیت- گونه گفتاری
واژگان	توصیف مو
کارکرد	توصیف ظاهر افراد- توصیف انواع مو

«یه جور دیگه»

بعضی درختا چاقن

بعضی هاشون لاغر

بعضی درختا اما

از این دو تا بهترین

تو هم خودت درختی

بگو چاقی یا لاغر

یا دوست داری همیشه

باشی یه جور دیگر

(یحیی علوی فرد)

گونه گفتاری- نشان جمع (ان) و (ها) - حرف ربط ساده- صفت تفضیلی- ضمیر مشترک- ضمیر اشاره- صفت شمارشی اصلی- واحد شمارش تا - فعل امر- قید زمان- امر فعل بودن	دستور
صفات ظاهری	واژگان
توصیف ظاهر افراد	کارکرد

صفات

«دیو حسد»

بیرون کن از خود دیو حسد را

بیرون بینداز این حس بد را

همواره بسیار در ذهن و یادت

بسیار زشت است حس حسادت

هر کس حسود است در رنج و درد است

چشم و دل او تاریک و سرد است

پس دور کن، دور از خود حسد را

بیرون بینداز این حس بد را

(جعفر ابراهیمی (شاهد)

ضمیر شخصی پیوسته - قید زمان - جمله امری - جمله اخباری - قید زمان - صفت اشاره - حرف ربط ساده - حرف عطف - حرف نشانه را - ضمیر مشترک - قید مقدار	دستور
صفات - واژه‌های هم معنا	واژگان
ابراز دوست نداشتن چیزی - توصیف صفات	کارکرد

«کشورها»

«بچه‌ها جور واجورند»

هندي

این بچه اهل هنده

شیرینه مثل قنده

لباسشو که «ساری» ست

دور تنش می‌بنده

ژاپنی

این بچه، اهل ژاپنه

چه خوب نگامون می‌کنه

با عقل و هوش و علم خود

کارها رو آسون می‌کنه

چینی

این بچه اهل چینه

بین چه نازنینه

با چشمای بادومیش

دنیا رو خوب می‌بینه

آفریقا

این بچه، اهل آفریقاست

پوست تنش کمی سیاست

موی سرش فرفریه

دوستش داریم که دوست ماست

مکزیک

این بچه، اهل مکزیکه

چه قد بلند و باریکه

با اینکه روشنه هوا

زیر کلاش چه تاریکه

(شکوه قاسم نیا)

صفت اشاره- گونه رفتاری- حرف اضافه ساده- ضمیر شخصی پیوسته- حرف ربط ساده- حرف عطف- نشانه جمع (ها)- حرف نشانه را- ترکیب وصفی- حال اخباری- فعل متعدی- کشورها- ملیت‌ها- قید مکان- ترکیب اضافی- قید مقدار	دستور
کشورها- ملیت‌ها	واژگان
صحبت کردن در مورد ملیت خود و دیگران	کارکرد

کشور ما

کشور ما قشنگه

دریا داره، کوه داره

دره و دشت و صحرا

جنگل انبوه داره

کویر داره باغ داره

چشمه داره، رود داره

هوای شهرش اما

یک عالمه دود داره

ما همه، مرغ و ماهی

دوست‌های آب و خاکیم

همیشه توی فکر

یک آسمان پاکیم

(اسدالله شعبانی)

گونه گفتاری - حرف عطف - حرف اضافه ساده - حرف ربط ساده - صفت شمارشی اصلی - نشانه جمع (ها) - مطابقت فعل و نهاد - ضمیر شخصی پیوسته - ضمیر مبهم	دستور
کشور	واژگان
صحبت کردن در مورد ملیت خود و دیگران	کارکرد

«گل ایران»

من اهل همین خاکم	خاک وطنم ایران
نه اهل شمالم من	نه مشهد و نه کرمان
من آهوی این دشتم	من ماهی این دریا
یک گل که زده ریشه	در خاک همین صحرا
سرسخت تر از کوهم	آزادتر از بادم
از غصه تو غمگین	با خنده تو شادم
شیرین ترم از خرما	شاداب تر از باران
من میوه این خاکم	باغ وطنم ایران

(مهری ماهوتی)

ضمیر شخصی پیوسته و جدا- ترکیب اضافی - حرف عطف- حرف اضافه ساده- صفت تفضیلی - صفت اشاره- اسم مفرد- صفت شمارشی اصلی	دستور
کشور	واژگان
صحبت کردن در مورد کشور	کارکرد

«سربلند»

این بالا بالا بالا
سبز و سفید و قرمز
مغرور و سربلندم
بر روی شانه‌های
با من بخوان همیشه
آباد باشی ایران
همراه ابر و بادم
سه رنگ شاد شادم
در دست قهرمانان
مرد پیروز میدان
هر جا سرود پرچم
آزاد باشی از غم

(مه‌ری ماهوتی)

حرف عطف- حرف اضافه ساده- فعل امر- امر فعل بودن- صفت شمارشی اصلی- قید زمان- اسم مفرد- نشانه جمع (ان) و (ها)- ضمیر اشاره- قید مکان	دستور
حوزه کشور	واژگان
آشنایی با پرچم- صحبت کردن در مورد پرچم کشور	کارکرد

«پرچم»

با سه رنگ شاد	این که می‌رقصد در باد
ایران آزاد	پرچم کشور ماست
صلح است و امید	سفید آن نشان از
در نور خورشید	سبزش شادی، سرسبزی
یاد شهیدان	قرمز یعنی که زنده است
فریاد قرآن	لا اله الا الله
یک خانه دارد	پرچم یعنی هر ملت
نشانه دارد	از خانه خوب خود
در خانه دشمن	هرگز جایی ندارد
پرچم میهن	من بوسه می‌زنم بر

(مهتری ماهوتی)

حال اخباری- شناسه فعلی- حرف اضافه ساده- ضمیر شخصی پیوسته- صفت شمارشی اصلی- ترکیب اضافی- ضمیر مشترک- اسم مفرد- نشان جمع (ان)	دستور
حوزه کشور (پرچم)	واژگان
آشنایی با پرچم- صحبت کردن در مورد پرچم کشور	کارکرد

«ایران قشنگ»

این <u>سویش</u> یک صحراست	گرم و آفتابی
آن <u>سویش</u> دریاچه	خوش‌رنگ و آبی
جنگل کو؟ آن بالاست	زیر آسمان
این <u>پایین</u> نشسته	<u>دریای عمان</u>
هم زیباست <u>بهارش</u>	هم فصل <u>زردش</u>
هم زیباست تابستان	هم فصل <u>سردش</u>
مثل <u>یک</u> نقاشی‌ست	با صد نقش و رنگ
ایرانم ایرانم	<u>ایران قشنگ</u>
(مهری ماهوتی)	

دستور	صفت شمارشی اصلی - حرف عطف - ضمیر شخصی پیوسته - قید مکان - حرف اضافه ساده - ترکیب وصفی - ترکیب اضافی - اسم مرکب
واژگان	کشور
کارکرد	آشنایی با ایران و صحبت کردن در مورد کشور

«دوستت دارم»

دوستت <u>دارم</u> من	با تمام جانم
میهن خوب من	کشورم ایرانم
رشته کوه البرز	<u>با دماوند</u> قشنگ
یک <u>عروس</u> زیباست	دامنش رنگ به رنگ
رودهایت پر شور	کف زنان رقص کنان
می <u>رسند</u> از سر کوه	از <u>سهند و سبلان</u>
می <u>نشینم</u> لب رود	می <u>خورم</u> آب روان
دوستت دارم من	میهن من ایران
(مهری ماهوتی)	

ضمیر شخصی پیوسته - ضمیر شخصی جدا - ترکیب وصفی - حرف اضافه ساده - حال اخباری - حرف عطف - شناسه فعلی - فعل لازم - حال اخباری فعل داشتن - فعل متعددی	دستور
کشور	واژگان
صحبت کردن در مورد ایران و کشور	کارکرد

«مراسم و آیین‌های

مذهبی»

«مسجد محله»

در مسجد محله

دیشب نماز خواندم

دیشب کنار بابا

تا سی دقیقه ماندم

من در رکوع و سجده

یک ذره بد نبودم

اما تشهدش را

اصلاً بلد نبودم

او اشتباه من را

فهمید در تشهد

آن قدر خواند آن را

تا هر دو حفظمان شد

(غلامرضا بکتاش)

حرف اضافه ساده - شناسه فعلی - فعل منفی - قید زمان - صفت شمارشی اصلی - حرف عطف - قید مقدار - حرف ربط ساده - گذشته ساده - ضمیر شخصی پیوسته - ضمیر شخصی جدا- ترکیب اضافی - فعل مرکب	دستور
مراسم مذهبی	واژگان
صحبت و آشنایی با مکان و مراسم مذهبی	کارکرد

«من آدمم نه آهو»

امام مهربانم

امام هشتم من

شکفته با نگاهت

گل تبسم من

هوای ابری ام را

بیر به سمت باران

مرا بیر به مشرق

مرا بیر به خراسان

من آدمم نه آهو

پرنده بودم ای کاش

اسیر دام خویشم

تو ضامن دلم باش

(غلامرضا بکتاش)

ضمیر شخصی پیوسته - فعل امر - نشانه را - حرف اضافه ساده	دستور
- حرف ربط ساده - حرف اضافه مکان - گذشته ساده - امر فعل بودن - ضمیر شخصی جدا	
مذهبی	واژگان
آشنایی با امامان - داستان‌های مذهبی	کارکرد

«نماز»

سپیده زد سپیده

خاموش شده ستاره

بابام پا می شه از خواب

می شوره او دست و رو

تمیز و پاکیزه باز

من هم کنار بابا

وقت سحر رسیده

صبح آمده دوباره

می ره لب حوض آب

با می گیره وضو

میاد سر جانماز

نماز می خوانم حالا

(فاطمه ادیبی)

حال اخباری - گونه گفتاری - ضمیر شخصی جدا - شناسه	دستور
فعلی - قید زمان - ترکیب اضافی - حرف عطف - قید تکرار - حرف اضافه ساده - اسم مفرد - اسم مرکب	
آیین مذهبی - نماز	واژگان
صحبت کردن درمورد آیین مذهبی	کارکرد

«جشن تکلیف»

خدای مهربون حالا
دوستش داره خیلی زیاد
چون می‌تونه مثل همه
به درگاه خدا پیاد

با بالی از عبادتش
اون می‌تونه بره بالا
تو آسمان خوبی‌ها
بالا تر از فرشته‌ها

به‌به چه نورانی می‌شه
دختر ما وقت نماز!
رو سجاده‌ش گل می‌ریزه
گل‌های یاس گل‌های ناز

نمازشو اول وقت
می‌خونه باصفا می‌شه
عشق خدا توی دلش
از دوستای خدا می‌شه

این دختر عزیز ما
برای خودش یه خانومه
درس می‌خونه تو مدرسه
حالا کلاس سومه

بین چه خوب و باصفاست
مثل یه دسته گله!
از بچگی دراومده
مثل یه شاخه سنبله!

دختر خوب ما حالا
بزرگ شده قد کشیده
نه‌سالگیش مبارکه!
به سن تکلیف رسیده

حالا دیگه روی سرش
یه تاجی از بندگیه
این بهترین هدیه ازش
تو همه زندگیه

صفت اشاره - ضمیر مشترک - حال اخباری - شناسه‌های فعلی - حرف اضافه ساده - فعل امر - اسم جمع - فعل پیشوندی - فعل مرکب - ضمیر مبهم - ضمیر شخصی پیوسته - گونه گفتاری - نشانه جمع - قید زمان - حرف ربط ساده - ترکیب اضافی - ترکیب وصفی - صفت تفصیلی - ضمیر مشترک - مالکیت - حال اخباری فعل بودن - حال اخباری فعل داشتن - فعل منفی	دستور
آیین مذهبی - جشن تکلیف	واژگان
صحبت کردن در مورد مراسم مذهبی	کارکرد

«بچه شیعه»

تو خونه قرآن داریم
و هم نهج البلاغه

من بچه شیعه هستم
از بدی‌ها بیزارم
خوش اخلاقم همیشه
ادب را دوست دارم

من بچه شیعه هستم
بدم میاد از دروغ
پیش بزرگ‌ترها
نمی‌کنم من شلوغ

من بچه شیعه هستم
دارم مهر و جانماز
کنار اهل خونه
منم می‌خونم نماز

من بچه شیعه هستم
خدای من رحیم است
علی امام خوبان
بابای هر یتیم است

من بچه شیعه هستم
مثل گل بهارم
این است افتخارم
علی رو دوست دارم

من بچه شیعه هستم
صورتم مثل ماهه
شعار من همیشه
علی ولی الله

من بچه شیعه هستم
خوب و بدو می‌دونم
با یک صدای زیبا
قرآن خوب می‌خونم

من بچه شیعه هستم
دارم دوازده امام
از راه دور و نزدیک
می‌گم به اون‌ها سلام

من بچه شیعه هستم
شاداب و شاد و خندان
امام اول من
علی است شاه مردان

(سید بشیر حسینی میانجی)

من بچه شیعه هستم
دارم به دین علاقه

<p>ضمیر شخصی جدا - حروف نشانه را - حرف عطف - نشانه فعلی - نشانه جمع (ها) - فعل نفی - ضمیر شخصی پیوسته - قید زمان - حرف اضافه ساده - نشانه جمع (ان) - فعل متعددی - اسم مرکب - فعل مرکب - فعل اخباری فعل داشتن - صفت تفضیلی - ترکیب وصفی - ضمیر اشاره</p>	<p>دستور</p>
<p>مذهبی</p>	<p>واژگان</p>
<p>صحبت کردن در مورد مسائل مذهبی</p>	<p>کارکرد</p>

«مثل پدر هستی تو» (برای امیرالمؤمنین)

با دل خوشی می‌گیرم	در می‌زنی، من در را
از دست تو سهمم را	وا می‌کنم بر رویت
سهم من امشب هم هست	می‌ایستم یک لحظه
خرما و نان تازه	خوشحال، رودر رویت
یک خنده پرمعنا	مانند شب‌های پیش
یک مهر بی‌اندازه	در پشت در هستی تو
مثل پدر یک بوسه	با آن نگاه زیبا
بر روی من می‌کاری	مثل پدر هستی تو
افسوس! مثل هر شب	یک کیسه داری بر دوش
آهنگ رفتن داری	یک آسمان در سینه
رد می‌شوی از پیشم	دستت پر از پروانه
با پای پینه‌بسته	چشمت پر از آئینه
با یک دل پُر غصّه	از قلب خود می‌رانم
با شانه‌های خسته	آهنگ درد و غم را

(سید سعید هاشمی)

<p>حال اخباری - حرف ربط ساده - فعل پیشوندی - حرف اضافه</p> <p>ساده - صفت شمارشی اصلی - قید زمان - نشانه جمع (ها) -</p> <p>حرف عطف - ترکیب وصفی - مصدر - ضمیر شخصی پیوسته -</p> <p>قید مکان - حال اخباری فعل داشتن</p>	دستور
مذهبی	واژگان
صحبت کردن و آشنایی با مسائل مذهبی	کارکرد

«فصل ها»

«فصل‌های زیبای سال»

بدون که یک سال داره

چهار تا فصل زیبا

این فصل‌های قشنگ هست

هدیه خوب خدا

فصل اول بهاره همش بارون می‌باره

خدای مهربون باز سبزه و گل می‌کاره

فصل دوم تابستون هوا گرمه فراوون

پر از میوه می‌شه باغ با زحمت باغبون

فصل سوم پاییزه برگ از درخت می‌ریزه

هوا کمی سرد می‌شه بارون میاد یه‌ریزه

فصل چهارم زمستون کمتر می‌باره بارون

برف بیادش یه‌عالم زمین می‌شه یخ‌بندون

این چهار تا فصل بچه‌ها خیلی قشنگ و زیباست

شکر می‌کنیم خدا رو اون خالق این دنیاست

(زهرا کفاش)

فعل امر - صفت شمارشی اصلی - واحد شمارش تا ... - ترکیب وصفی - نشانه جمع - حال اخباری - گونه گفتاری - قید مقدار - حرف اضافه ساده - صفت تفضیلی - ضمیر شخصی پیوسته - حال اخباری فعل داشتن - اسم مفرد - ضمیر اشاره	دستور
فصول	واژگان
صحبت درمورد آب‌وهوا و فصل‌ها	کارکرد

«اتل متل بهاره»

اتل متل بهاره	سبزه و سیب و سکه
به رنگ سبزه زاره	سماق و سیر و سرکه
شکوفه دسته دسته	سمنو و تنگ ماهیا
رو شاخه ها نشسته	ماهیا عین طلا
شاپرکا روی گلا	بچه ها با لباس نو
بنفشه ها و سنبل	تو کوچه ها بدوبدو
شاپرکا خوش اومدین	تو آسمون ابر سیاه
چه مزده ای می خواین بدین؟	قُرمب قُرمب برو بیا
اتل متل عید اومد	بارونه رگبار شد
اون که می خواستید اومد	ناودونه آبخار شد!
اومد همچون و همچنین	بهار پاشنه اناری
تو سفره های هفت سین	از تابستون خبر داری؟

(غلامحسین مردانیان)

گونه گفتاری - قید ترتیب - حرف ربط ساده - نشانه جمع - صفت پرسشی -	دستور
حرف عطف - فعل لازم - ترکیب وصفی - فعل امر - فعل مرکب - مطابقت	
فعل با نهاد - اسم جمع - حال اخباری فعل داشتن - فعل گذشته ساده	
فصل ها - فصل بهار	واژگان
صحبت در مورد فصل	کارکرد

«اتل متل تابستون»

اتل متل تابستون

گرما داره فراوون

میوه‌های جورواجور

گیلاس و توت و انگور

هندونه‌های شیرین

شاتوت همچین همچین

هندونه‌هاش شیرینه

مگس به روش نشینه!

گلابی اومد با زردآلو

خیار و گرمک و هلو

شربت سرد و بستنی

با مزه‌های خواستنی

سیب گلاب! رو گاری.

چه عطر و بویی داری!

تابستون گرما گرگری!

پاییز اومد باید بری

گونه گفتاری - نشانه جمع - حرف اضافه ساده - حال اخباری - فعل داشتن -	دستور
فعل منفی - حرف عطف - شناسه فعلی - اسم مفرد - اسم مرکب	
فصل‌ها - فصل تابستان	واژگان
صحبت در مورد فصل و آب‌وهوا	کارکرد

«اتل متل پاییزه»

اتل متل پاییزه	بارونا رو نیگا کن
برگ درخت می ریزه	مدرسه‌ها وا می شه
هوهوی بادِ <u>سرد</u>	برپا و برجا می شه
برگای خشک و زرده	کلاس اولی‌ها
برگ درختا رنگیه	پیش مامان و بابا
پرتقال و نارنگیه	مشق و حساب و ورزش
سیب و انار و خربزه	درس و تلاش و کوشش
شیرین و ترش و خوش مزه	کیف و کلاس و تخته
بارون نم‌نم <u>میاد</u>	بپا نشی شلخته!
دونه دونه <u>کم کم</u> میاد	پاییز باد و بارون!
چتر قشنگو وا <u>کن</u>	برو که اومد زمستون!

دستور	حال اخباری - ترکیب اضافی - ترکیب وصفی - نشانه جمع - فعل امر - فعل پیشوندی - اسم مرکب - گونه گفتاری - فعل نفی - حرف اضافه ساده - قید مقدار - حرف عطف - حال اخباری
واژگان	فصل‌ها - فصل پاییز
کارکرد	صحبت درمورد فصل و شرایط پاییز

«اتل متل زمستون»

اتل متل زمستون

سرما و برف و بارون

مامان! شال و کلام کو؟

چکمه و دستکشام کو؟

برفا رو پارو کنین

نرگسا رو بو کنین

باز شب چله دور هم

قوری چای تازه دم

آجیل و انار و هندونه

هرچی بخوای فراوونه!

اما بیا پر نخوری!

روی یخا سر نخوری

زمستون برف و سوز

برو که اومد حاجی فیروز!

گونه گفتاری - حرف عطف - صفت پرسشی - نشانه جمع - فعل امر - حرف نشانه را - قید تکرار - ترکیب وصفی - ترکیب اضافی - ضمیر مبهم - فعل مرکب - ضمیر شخصی پیوسته - فعل نفی	دستور
فصلها - فصل تابستان	واژگان
صحبت درمورد آبوهوا - لباس زمستانی و مراسم زمستان	کارکرد

«از پشت بام کوچه»

پاییز وقتی آمد

در کوچه مان قدم زد

خالی نبود دستش

با ابر و باد آمد

از هر طرف هوا را

هی سردتر کرد

برگ درختها را

هر روز زردتر کرد

شد یک گلیم رنگی

کم کم تمام کوچه

از بس که برگ بارید

از پشت بام کوچه

(فریدون سراج)

حرف اضافه مکان - ضمیر شخصی پیوسته - فعل منفی - حرف اضافه ساده - نشانه جمع - حرف نشانه را - صفت تفضیلی - صفت شمارشی اصلی - حرف عطف - اسم مرکب - قید مقدار - اسم مفرد - گذشته ساده - ترکیب اضافی	دستور
فصول (پاییز)	واژگان
آشنایی با فصلها - صحبت در مورد آبوهوا	کارکرد

«از پشت تابستان»

با من قدم می‌زد

گرمای تابستان

گفتم بیارد کاش

یک آسمان باران

یک دفعه ایر آمد

با نم‌نم باران

پاییز بیرون جست

از پشت تابستان

(فریدون سراج)

حرف اضافه ساده - حال اخباری - گذشته ساده - فعل امر - صفت شمارشی	دستور
اصلی - قید مقدار - مطابقت فعل با نهاد - قید مکان - فعل لازم - اسم مفرد	
فصول - فصل تابستان	واژگان
صحبت درمورد آب‌وهوا و فصل‌ها	کارکرد

«چهار فصل»

هر سال چهار فصل دارد

اول سال بهاره

بهار مهربونی

سه ماه میاد مهمونی

عید گل و سبزه‌زار

بهاره، فصل بهار

فصل دیگه تابستون

خورشید توی آسمان

مثل گل آتیشه

یخها چه زود آب می‌شه

پاییز که فصل درسه

همه میرن مدرسه

بعد پاییز زمستون

میاد با برف و بارون

سرما که رفت دوباره

فصل گل و بهاره

(آزاده آشیان)

صفت شمارشی اصلی - حال اخباری - گونه گفتاری ضمیر مبهم - ترکیب اضافی - حرف اضافه ساده - فعل گذشته - قید تکرار - ترکیب وصفی - حال اخباری فعل داشتن - قید زمان	دستور
فصول - ۴ فصل	واژگان
آشنایی با فصل‌ها - صحبت کردن در مورد فصل و آب و هوا	کارکرد

«وسایل آشپزخانه»

«امور روزمره (وقت غذا)»

خدا دیدی که من امشب

به مامانم کمک کردم؟

همین ک سفره را انداخت

نمکدان را من آوردم

چه خوشکل سفره را چیدم

سه تا لیوان سه تا بشقاب

دوباره یک شب زیبا

دوباره شام و چای و خواب

گمانم مادرم فهمید

که خیلی دوستش دارم

خدایا! مثل مامانم

تو هم خوشحالی از کارم؟

(مریم هاشم پور)

مطابقت فصل با نهار - شناسه فعلی - گذشته ساده - نشانه - قید تکرار - حرف عطف - ضمیر شخصی پیوسته و جدا - صفت شمارش - واحد شمارش تا - ترکیب وصفی - اسم مفرد - قید مقدار	دستور
لوازم آشپزخانه - ترکیب وصفی	واژگان
شرح فعالیت روزانه	کارکرد

«تعارف»

سوسکه میگه: «نه آقا،	قُل می زنه سماور
جون شما نمی شه»	قوری چایی روشه
موش میگه: «اول، شما»	نشسته خاله سوسکه
نه، به خدا نمی شه	کنار آقا موشه
چایی میشه سردِ سرد	براش می ریزه چایی:
شب میرسه به دنیا	تازه دمه، بفرما
هنوز میگن این دو تا	می خنده آقا موشه
- اول شما بفرما	زود می گه: «اول شما»
	این می گه: «نه، نمی شه»
	اون میگه: «نه، نمی شه»
	این همه ناز و تعارف
	کارشونه همیشه

(از کتاب شعرهای شیرین برای بچه‌ها
مجموع شاعران)

حال اخباری - گونه گفتاری - مطابقت فعل با نهاد - ضمیر شخصی پیوسته - فعل امر - فعل منفی - شناسه فعلی - قید زمان - ضمیر شخصی جدا - اسم مفرد - حرف عطف - ضمیر مبهم - ترکیب اضافی - ضمیر اشاره	دستور
وسایل آشپزخانه - تعارف	واژگان
صحبت در مورد فعالیت‌های روزمره - به کار بردن تعارف - آشنایی با تعارف	کارکرد

«انواع خانه»

«خدای توی ماه و ستاره پیداست»

دلَم می خواد تابستونا تو حیاط

یا روی پشت بوم برم بخوابم

خونه‌ی ما آپارتمانہ باید

همش بخوابم توی تختخوابم

مامان میگه پشت بوم ما بالاست

حیاط ما حیاط همسایه‌هاست

فقط باید پنجره رو باز کنیم

خدا توی ماه و ستاره پیداست

دیشب ستاره‌ها رو مثل پازل

کنار هم چیدم و بازی کردم

اگر چه صبح ستاره‌ای نداشتم

خدا جونم چه خواب نازی کردم

(اکرم‌السادات هاشمی پور)

حال اخباری - حرف اضافه ساده - حرف ربط ساده - قید مکان - ضمیر شخصی جدا - اسم مفرد - اسم مرکب - ضمیر شخصی پیوسته - قید مکان - حرف عطف - فعل گذشته ساده - فعل منفی ترکیب وصفی - فعل مرکب - نشان جمع	دستور
انواع خانه	واژگان
صحبت کردن در مورد انواع خانه	کارکرد

«اوقات فراغت»

«تاب بازی»

تو باغچه‌مون، درختی قد بلنده

مامان به شاخه‌هاش یه تاب می‌بنده

هلم می‌ده، می‌رم هوا

پام می‌رسه به شاخه‌ها

چشمامو زود می‌بندم

جیغ می‌زنم می‌خندم

(مه‌ری ماهوتی)

حرف اضافه ساده - ترکیب وصفی - ضمیر شخصی پیوسته - صفت شمارشی اصلی - حال اخباری - گونه گفتاری - نشان جمع - مطابقت نهاد با فعل - قید زمان	دستور
اوقات فراغت (بازی)	واژگان
صحبت کردن در مورد اوقات فراغت	کارکرد

«سرنخ تمام آسمان»

کودکی

رزنامه‌ای خرید

بعد با دو تا حصیر و تکه‌ای خمیر

بادبادک سفید خویش را

با نخی برای آسمان

پست کرد

کودکی که از نگاه بادبادکش

قد یک عروسک است

فکر می‌کند از آسمان چقدر

مشکلات کوچه کوچک است

او هنوز

با نخی که از زمین به آسمان

وصل می‌شود

توی گوشواره‌های بادبادکش

گرم گفتگوست

چو سرنخ تمام آسمان

توی دست اوست

(غلام رضا بکتاش)

ضمیر مشترک - نشان جمعه «ها»- فعل گذشته ساده- حرف اضافه ساده- حرف عطف- صفت شمارشی اصلی- واحد شمارش تا- حال اخباری- ضمیر شخصی پیوسته- اسم مفرد- حروف اضافه مکان	دستور
اوقات فراغت	واژگان
صحبت کردن در مورد اوقات فراغت	کارکرد

«صد آفرین»

پارک محله خوشگله

پراز پرنده و گله

ماهی و حوض آب داره

الاکلنگ و تاب داره

باغچه‌های قشنگ داره

گل‌های رنگارنگ داره

من کار بد نمی‌کنم

گل را لگد نمی‌کنم

راه نمی‌رم روی چمن

صد آفرین بگین به من

(افسانه شعبان نژاد)

ترکیب اضافی - حرف اضافه ساده - حال اخباری فعل داشتن - حرف عطف - نشان جمع «ها» - فعل منفی - حرف نشان را - فعل امر - ضمیر شخصی جدا- اسم مفرد	دستور
اماکن عمومی	واژگان
صحبت کردن در مورد پارک	کارکرد

• اشعار کتاب فارسی اول تا پنجم دبستان نیز لیست شده‌اند. بعضی از اشعار می‌توانند برای سطح پایه نیز استفاده شوند اما بعضی از اشعار برای سطح میانی مناسب هستند.

«اشعار کتاب فارسی اول دبستان»

با هم بخوانیم



خدای مهربان

با این دو دست کوچکم	دست می‌بزم پیش خدا
با دل پاک و روشنم	دعا کنم، دعا، دعا
بازای خدای مهربان	بشنو دعاهای مرا
دعا برای مادرم	دعا به شادی بابا
به خاندها صفا بده	به جان ما وفا بده
	پر دین دولت آبادی



راه مدرسه

مادرم	شانه زده	باز هم موی مرا
نقش پروانه زده	روی پیراهن من	مادرم داده به من
کیف زیبایی مرا	همه چیز و همه جا	همه امروز تشنگ
می سپارد به خدا	دست پر مهرش را	روی لب های همه
خنده مهمان شده است	به دبستان شده است	موقع رفتن من

افسانه شعبان نژاد



سبز و سبز و سبز

سنگ و سنگ و سنگ
سُر و سُر و سُر
کوه‌ها
آبشارها

صاف و صاف و صاف
سبز و سبز و سبز
جوبارها
کشتزارها

باز و باز و باز
شاد و شاد و شاد
چشم آفتاب
خنده‌های آب

غصه‌ها همه
کار و زندگی
دور دور دور
جور و جور و جور
محمود کیانوش



با هم بخوانیم



آنار

صد دانه یاقوت
دسته به دسته
با نظم و ترتیب
یک جا نشسته.
هر دانه ای هست
خوش رنگ و درخشان
قلب سفیدی
در سینه ای آن.
یاقوت ها را
بچیده با هم
در پوشش نرم
پروردگارم.
سرخ است و زیبا
ناش آنار است
هم ترش و شیرین
هم آب دار است.

(عطفی رحمان دوست)





مهربان‌تر از مادر

مهربان‌تر از مادر	مهربان‌تر از آب
با تمام مامی‌ها	مهربان‌تر از گل‌ها
با دو بال پروانه	مهربان‌تر از باران
با درخت و با دانه	مهربان‌تر از خورشید
با گل و زمینی تو	تو خدای ما هستی
مهربان‌ترینی تو!	

افسانه شعبان‌زاد



زردآلو

رنگین است	بِه بَه بَه
شیرین است	خوش مزه
بهار است	رویش زرد
تپ دار است	لبش سرخ
چون بادام	منزش را
دام ، دام ، دام	بتلکن زود
حم خوش بو	حم خوش رو
زرد آلو	زرد و سرخ

معطی رحمان دوست





با هم بخوانیم



ای ایران

ای ایران

زیبا ، زیبا ، زیبایی

ای ایران

میهن خوب مایی

م صحرا

م کوه و جنگل داری

م دریا

م باغ و بستان داری

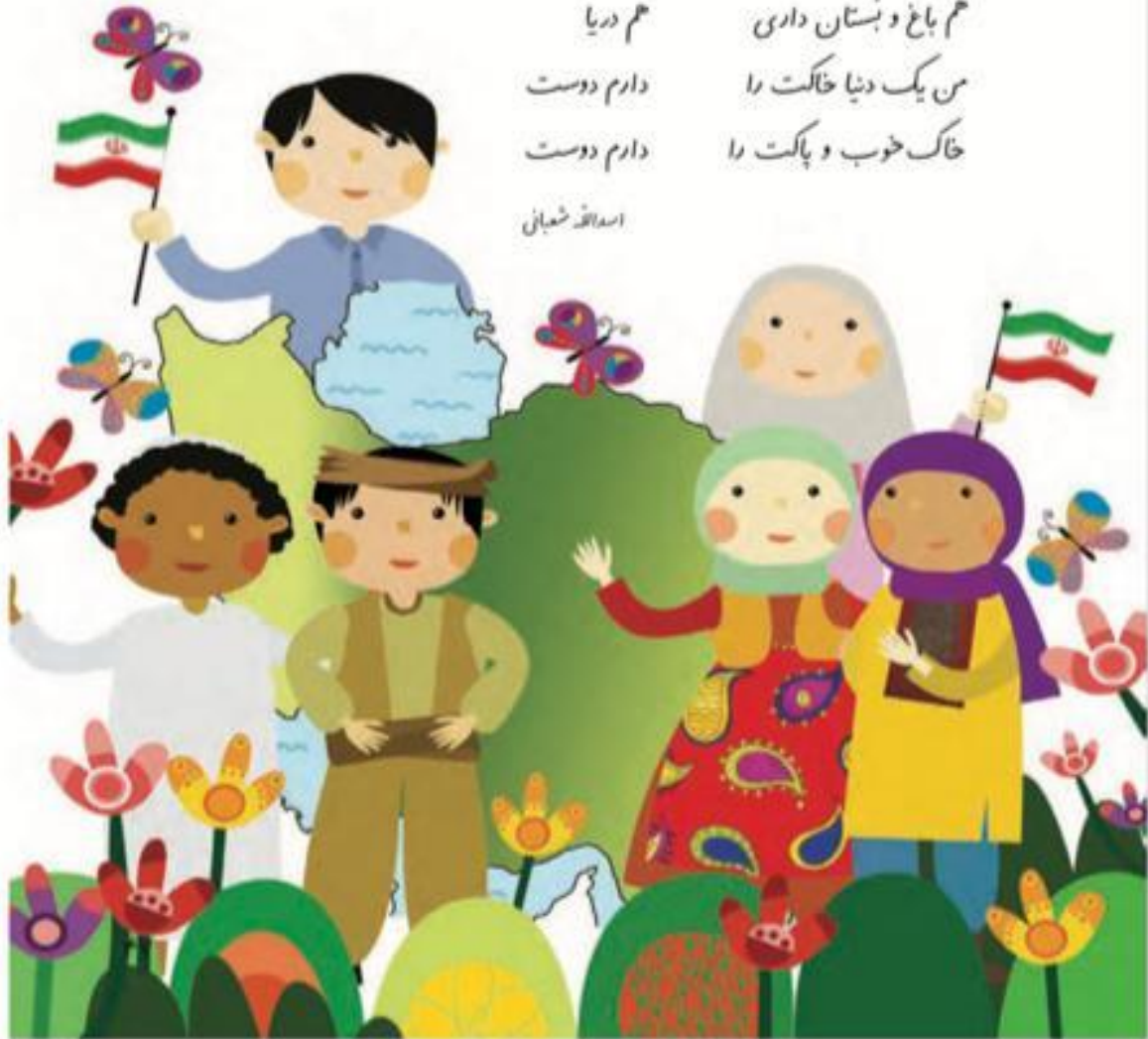
دارم دوست

من یک دنیا خاکی را

دارم دوست

خاک خوب و پاکت را

اسدالله شعبانی





با هم بخوانیم



ما کودکانیم

شیرین زبانیم
کتاب می خوانیم
شادیم و خندان
جادر گلستان
هر کار ما خوب
رفتار ما خوب
عاشقین شریف

ما کودکانیم
تنها و با هم
مادر دبستان
چون گل که دارد
گفتار ما خوب
با هر کسی هست





با هم بخوانیم



جشن بهمن

رسیده جشن بهمن
کلاس ما دوباره
پُر از گل و قاصدک
شده پُر از پرند
نقل و نبات و بخت
شده پُر از صدای خنده
میس ما شاد شاد
کتاب و غود و اسفند
از غم و غصه آزاد
کبری عاشی





پیغمبر ما

تا صبح بارید	آن شب ستاره
مهتاب تابید	روشن تر از پیش
مانند گلشن	روی زمین شد
چون روز روشن	از نور، شب شد
نوری به پا بود	تا صبح آن شب
غار حرا بود	سرچشمی نور
پیغمبر ما	زیراد آن شب
شد رهبر ما	از جانب حق

(علی امین نضری)





جشن در آسمان

خورشید زیباست
از دور پیدا است

وقت غروب است
مثل عروس است

افتاده رویش
بر روی مویش

یک ابر نازک
مانند یک تور

او توی راه است
آنگای ماه است

داماد پس کو؟
من شک ندارم

در آسمان هاست
همان آن هاست
باصبر کناره

جشن عروسی
صدها ستاره



با هم بخوانیم



دریا

آرام و شادابی
پهنادر و آبی
من در خیال خود
سوی تو می آیم

بسیار زیبایی
بندید، تو دریایی
با قابضی زیبا
سوی تو ای دریا

جعفر ابراهیمی (شاهدا)

شادیم و پاک و خندان

شادیم و پاک و خندان

نور امید و ایمان

امروز در دبستان

در باغ سبز ایران

این است، با ما بخوان

جاوید باد ایران

ما کودکان ایران

در چشم‌های ما هست

ما مثل غنچه هستیم

فردا شویم یک گل

شعر و ترانه‌ی ما

پاینده باد اسلام

شکوه قاسم‌نیا



«اشعار کتاب فارسی دوم دبستان»

بخوان و حفظ کن



یارِ مهربان

من یارِ مهربانم دانا و خوش بیانم
گویم سخنِ فرادان با آن که بی زبانم
پندت دهم فرادان من یارِ پنددانم
من دوستی هنرمند با سود و بی زبانم
از من مباش غافل من یارِ مهربانم

عباس مینی شریف



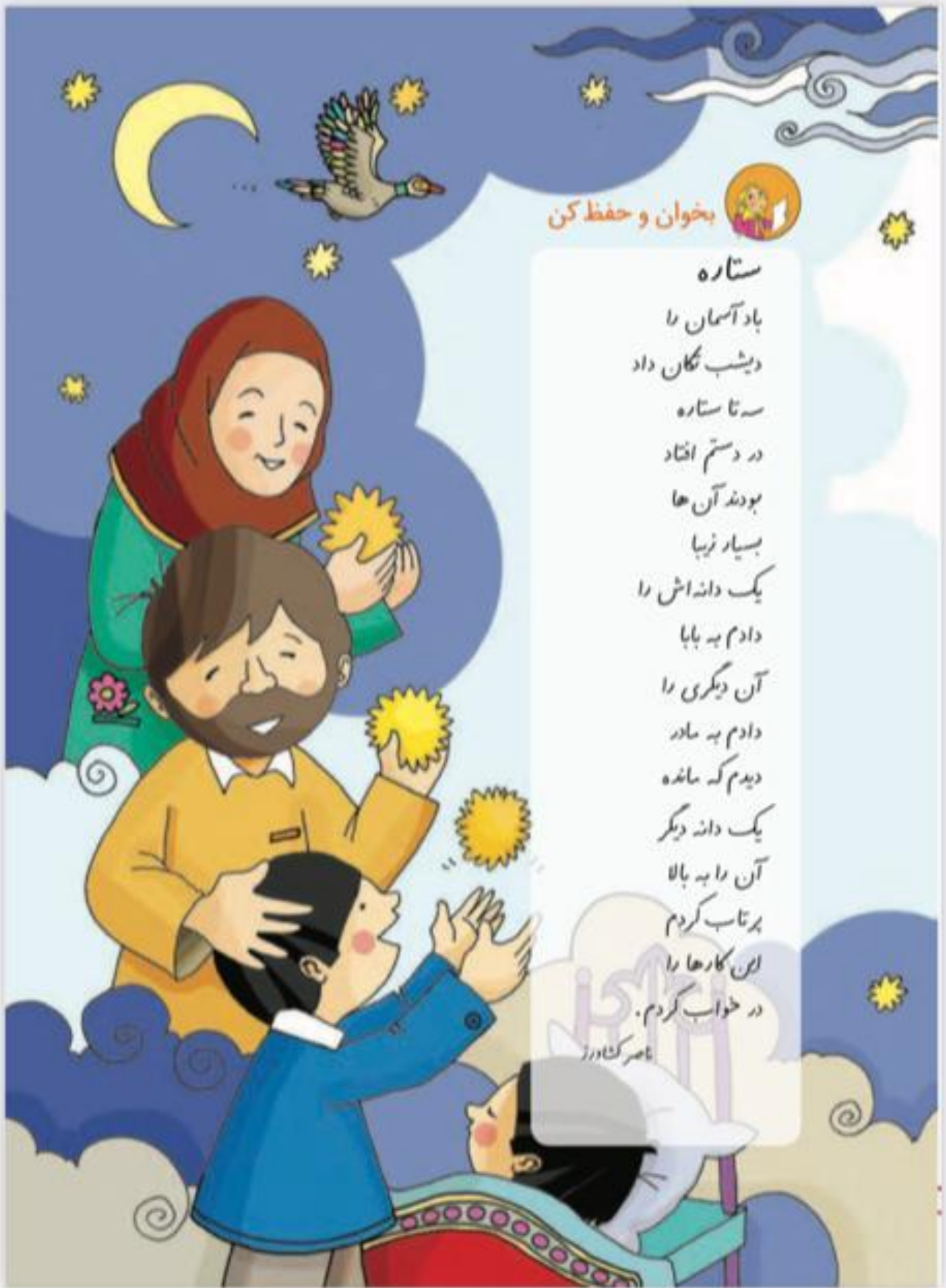
بخوان و حفظ کن



ستاره

باد آسمان را
دیشب نگران داد
سه تا ستاره
در دستم افتاد
بودند آن‌ها
بسیار زیبا
یک دانه اش را
دادم به پاپا
آن دیگری را
دادم به ماما
دیدم که مانده
یک دانه دیگر
آن را به بابا
پرتاب کردم
لین کارها را
در خواب کردم.

ناصر کشاورز





احوال پرسی

بروانه از گل

احوال پرسید.

گل گفت: «خوم.»

بروانه خندید

گل بازر شد

با ناز خوابید.

بروانه دودش

آرام رقصید.

محمود کیانوش





مثل یک رنگین کمان

شاپرک آمد کنار بخره
روی شیشه، مثل بزگی دیده شد
دست بزدم تا بگیرم، او پرید
بزگی انگار از درختی چیده شد
شاپرک باز آمد و آنجا نشست
بال رنگارنگ خود را باز کرد
آفتاب مهربان چون مادری
بال های نازکش را ناز کرد
پشت شیشه، آفتاب مهربان
می درخشید از میان آسمان
دیده می شد بال های شاپرک
روی شیشه مثل یک رنگین کمان

جعفر ابراهیمی «شاهد»



من هنرمندم

بدم شعر بگویم . بدم قصه بخوانم
بدم لانه بسازم . بزم پیش کبوتر
بدم پاک و مرتب . بزم شانه به مویم
بدم روی لب تو . گل بخند بکارم
بدم خستگی ات را به سلامی بگویم
بدم شاخه گلی را بدم هدیه به مادر
بدم آینه باشم . بدم راست بگویم
بدم مردم دنیا . همه را دوست بدارم
ایشین عطا



بخوان و حفظ کن



با پرستوهای شاد

آسمان خوش حال و صاف
با پرستوهای شاد
خاندها را آفتاب
فرشها را مادرم
دورگلدان را چه خوب
یک گل زیبا و سرخ
ماهی من، توی حوض
باد هم با شاخهها

شاخهها سبز و سفید
می رسد از راه، عید
می زند رنگ نشاط
می نکاند در حیاط
رنگ کرده خواهرم
من برایش می برم
آب بازی می کند
تاب بازی می کند

محمود پوردهاب

بخوان و حفظ کن



ای خاندی ما

خوب و عزیزی
ایران زیبا
پاینده باشی
ای خاندی ما
من دوست هستم
با شهرهایت
با کوه و دشت
با نهرهایت
خوشید اسلام
یک بار دیگر
تاییده از تو
الله اکبر!.....
در هر کجایت
خون شهیدان
پیوسته جاری است
ای خاک ایران
بر کوی و کوچه
بر دشت هایت
رویده لاله
جانم فدایت.

معظمی رحمان دوست



بخوان و حفظ کن



درخت کاری

به دست خود درختی می‌نشانم
کی تخم جنس بر روی خاکش
برای یادگاری می‌نشانم
درختم کم کم آرد برگ و باری
بسازد بر سر خود شاخساری
چون روید در آنجا سبز و خرم
شود زیر درختم سبزه‌زاری
درختم چتر خود را می‌کشاید
به تابستان که گرما رو نماید
دل هر دهکده را می‌رباید
خنک می‌سازد آنجا را ز سایه
میان روزگرمی . می‌رود خواب
به‌بایش خسته‌ای بی‌حال دبی تاب
درختی کاشتی . روح تو شاداب
شود بیدار و گوید: ای که اینجا
عباس مینی شریف



«اشعار کتاب فارسی سوم دبستان»

خداوند رنگین کمان

ستایش

به نام خداوند رنگین کمان
خداوند سخنانک رنگ رنگ
خدایی که آب و هوا آفرید
خدایی که از بوی گل، بهتر است
خدایا، به ما مهربانی بده
دلی صاف و بی کینه، مانند آب
خداوند بخشندهی مهربان
خداوند پروانه های قشنگ
درخت و گل و سبزه را آفرید
صمیمی تر از خندهی ملاه است
دلی ساده و آسمانی بده
دلی روشن و گرم، چون آفتاب

نمود پروانه



پدر بزرگ

بخوان و حفظ کن



در دست پیر او بود
باز آن عصای نریا
خندید و قلقلک داد
با آن عصا دلم را

ناصر کشاورز

دیشب پدر بزرگم

آمد به خانه‌ی ما

باز او مرا بغل کرد

بوسید صورتم را

مادر برای او زود

یک چای تازه آورد

او خسته بود و هایش

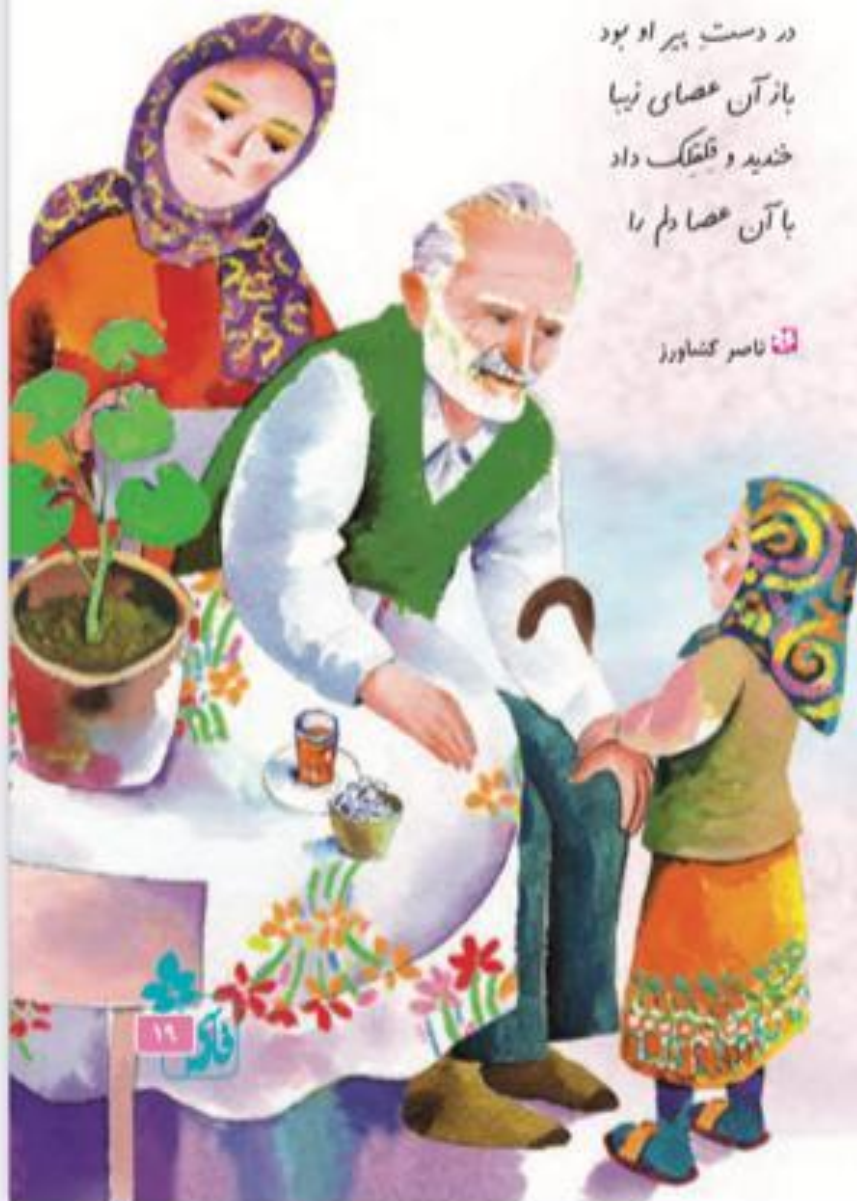
انگار درد می‌کرد

با خنده باز از من

پرسید: در چه حالی؟

کردم تشکر از او

گفتم که خوب و عالی



بخوان و حفظ کن **هم بازی**

رود، آن قایق را
بزد تا جایی دور
کودکی نیز آنجا
داشت می کرد عبور
ناگهان قایق را
بر لب ساحل دید
ناگهان بر لب او
گل شادی روید

لحظه ای قایق را
با تعجب نگریست
گفت: پس با من هم
یک نفر هم بازیست

اسدالله شعبانی

کودکی با کاغذ
قایق کوچک ساخت
قایقش را لب رود
بزد و در آب انداخت



مثل باران

بخوان و حفظ کن

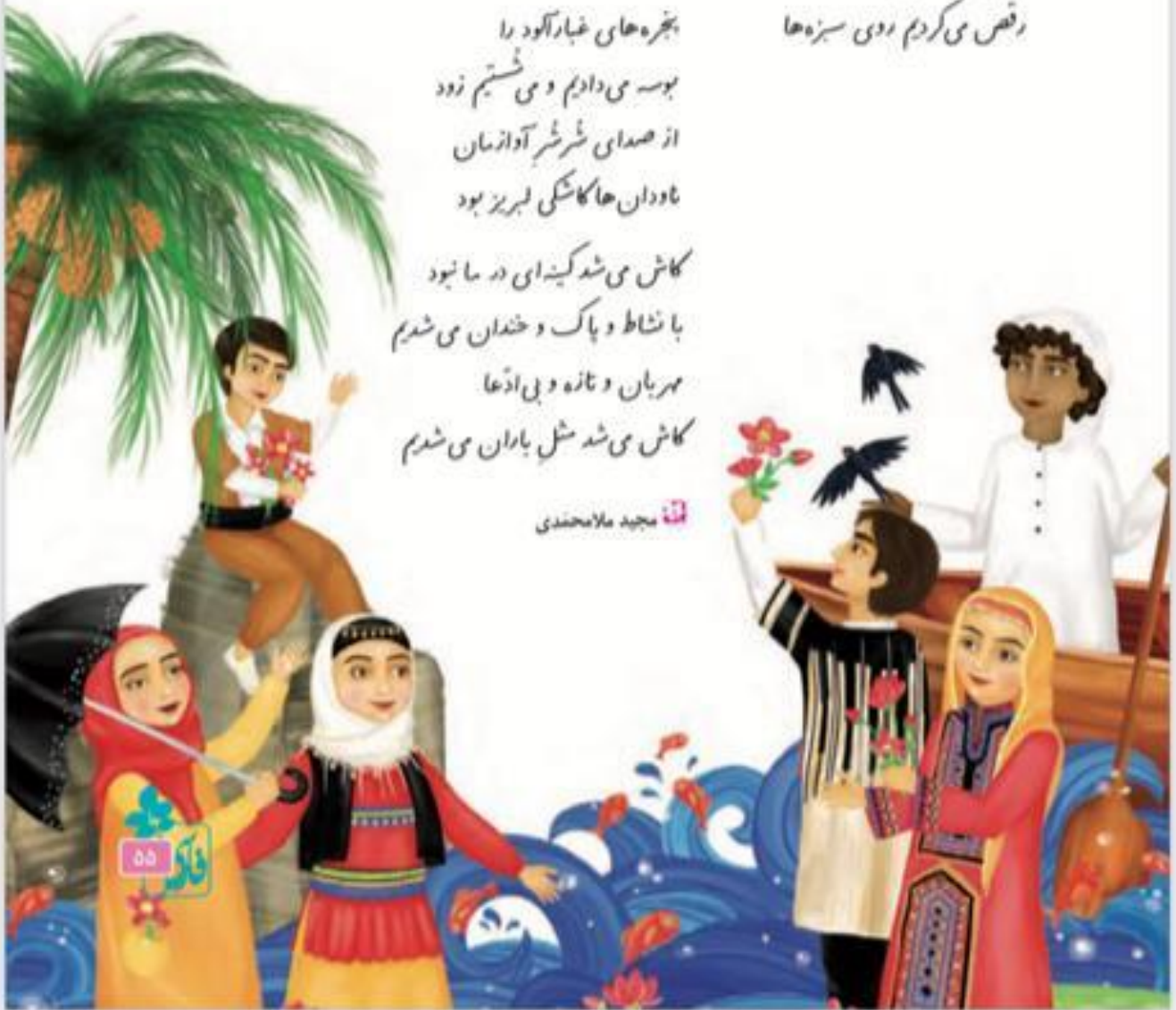
کوچه‌ها و بام‌ها پُر می‌شدند
از صدای پای کوبی همان
سبزه می‌روید در هر باغچه
از طراوت‌های جای پیمان

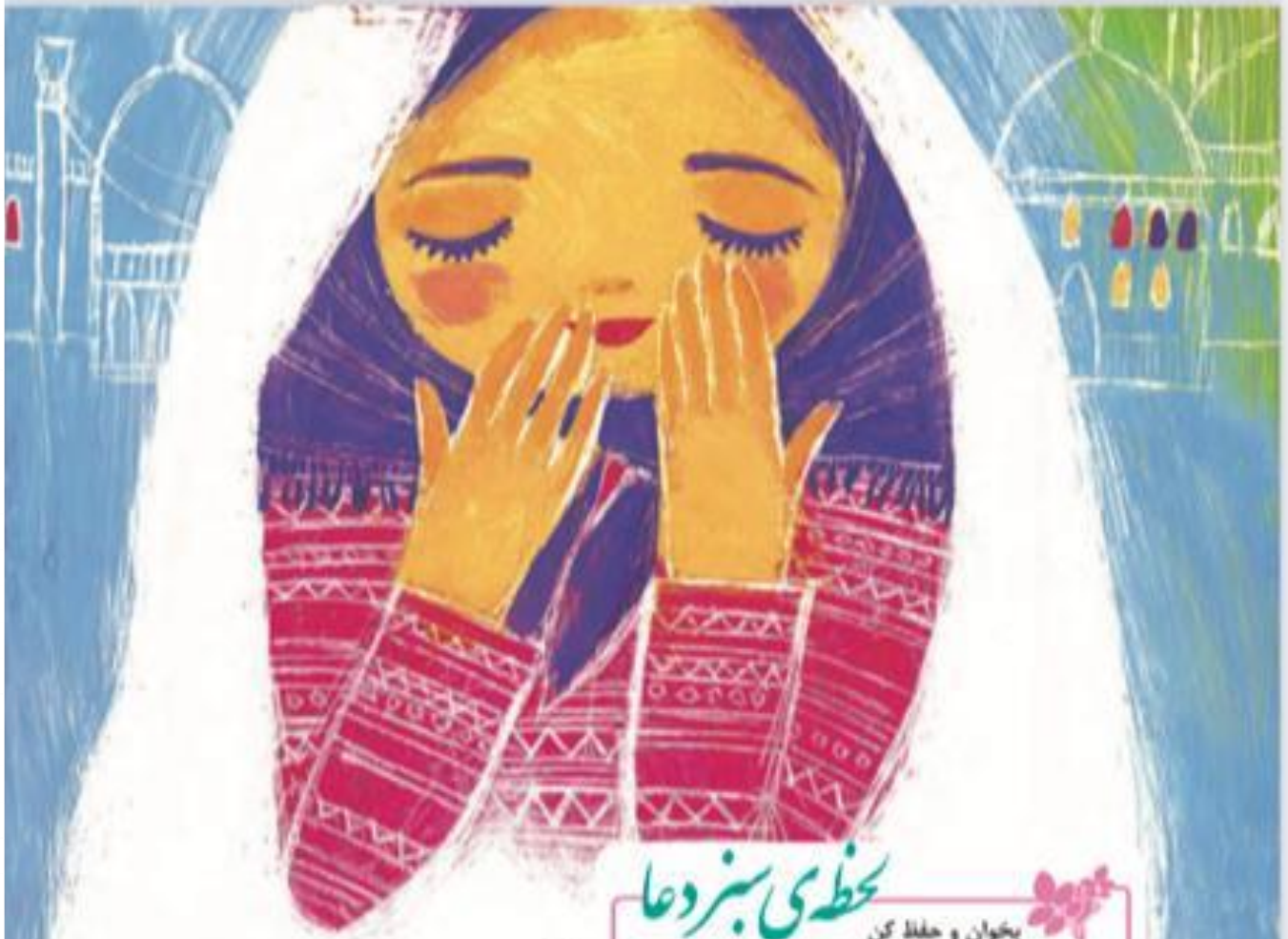
بخره‌های خیارکود را
بوسه می‌دادیم و می‌خستیم زود
از صدای شرشر آوازمان
ناودان‌ها کاشکی لبریز بود

کاش می‌شد کینه‌ای در ما نبود
با نشاط و پاک و خندان می‌شدیم
مهربان و تازه و بی‌ادعا
کاش می‌شد مثل باران می‌شدیم

نثر مجید ملامحمدی

کاش می‌شد مثل باران می‌شدیم
مهربان و تازه و بی‌ادعا
نرم با آوازهای شاد خود
رقص می‌کردیم روی سبزه‌ها





مخاطبی بنزد دعا

بخوان و حفظ کن



سنگ، پیشانی به خاک
ابر، سر بر آسمان
مثل کعبه، خم شده
قامت رنگین گمان

ابر در حال سفر
آسمان، غرق سکوت
بر سر گلدسته‌ها
بال مرغان در قنوت

تذکره قیصر امین پور

چشمه‌ها در نزمند
رودها در شست‌وشو
موج‌ها در غمزه
جوی‌ها در جست‌وجو

باغ در حال قیام
کوه در حال رکوع
آفتاب و ماهتاب
در غروب و در طلوع

ایران عزیز

عزت شمت. سپید

نوی دهان خرد

پاک که در آب شمع که یازدهم دل انگیزش نادرس

نام تپایی مقدس که برانده تر از هر مری است

تا همان باقی و سدا و خشی با پیست

که ایران عزیزا

داده ای جان در آغوش خود ای مردم خوب

مری خوب + صبر

عاشق مین خود

عاشق کشور ایران عزیز

که ایران عزیزا

سرزمین لوتیرا

تو چه زیبا هستی

چه زیبا هستی

از دور دور دنیا

باز خود بلد کنی

سر به دنیا ندانی

با به دنیا گویی

نوی در با حیات

با دهان جان خرمی

که نگر خواب عالم از ما می گیرند

من تپیده به دور

کن چه داریم ایران خود بااست

مال ما یک یک ایران حاست

نترسیم برای سلطنت

ز نظر با مشکل

که ایران عزیزا

سرزمین لوتیرا

تو چه زیبا هستی

چه زیبا هستی

عاشق مین سپید

سرزمین لوتیرا

سرزمینی که به فرهنگ جان خدمت کرد

به هر دو خلق داد

علم و دانش گسترده

موتوری. سعیدی و حافظ پرویز

لله فردوسی داد

لله و پرده در داس. خیام

لله بیرونی ما. جم علی سینا داد

ایران زمین پاکان

لذتگاه مردان

خاک پاک ایران

که هر چه علم طبع و دستانه

به هر نعمت حاشی

وطن

بخوان و حفظ کن

ما همه کودکان ایرانیم
ملک ایران یکی گلستانست
کار ما ورزش است و خواندن درس
چون نیاکان باستانی خویش
همه در فکر ملت و وطنیم
همه پاکیم در راست گوی و شریف
همگی اهل صفت و هنریم
حالیما، بهر افتخار وطن
مادر خویش را نگهبانیم
ما گل سرخ این گلستانیم
همه از تنبلی گریزانیم
راست گوی و دست پیمانیم
همه در بند حق و ایمانیم
بی خبر از دروغ و بهتانیم
همگی اهل خیر و احسانیم
ما شب و روز درس می خوانیم

محمّد تقی بهار (ملک الشعراء)



نقاش دنیا

بخوان و حفظ کن

دیروزی گستم
در باغ زیبایی
آنجای از گل بود
به به چه گل های ا



درس پانزدهم

دریا

هر کجا چشم می‌رود، آب است
از افق تا افق، همه دریاست
آب، آینه‌ای است به‌ناور
صورت آسمان، در آن پیدا است

خنده‌ی گرم در روشن خورشید
بر تن سرد آب می‌ریزد
موج از پشت موج می‌آید
موج در پیش موج می‌خیزد



می‌کشد آب، دانش را نرم
بر رخ پاک ماسه‌های کبود
می‌بزد لذت از نوازش آب
ساحل بی خیال خواب آلود

می‌شوم شاد و می‌زنم طوط
مثل ساحل، میان آب زلال
آسمان دل‌گشا و دریا دام
زندگی مهربان و من خوش حال

محمود کیانوش

بهاران

بخوان و حفظ کن

باز هم باد بهاری شادمان هر جا و زمان شد
چشمهای جوشان برآمد بردل صحرای روان شد
از بهار سبز و قرم مزده می آرد بزمستو
شادمان بزمی کشاید گاه لیل سو، گاه آن سو
می کشد دست نوازش شایرک بر چهره گل
از سر شاخ درختان می رسد آدای بلبل

۳۳ سوک ملگر



«اشعار کتاب فارسی چهارم دبستان»

خبری داشت کلاغ
گفت در گوش درخت
برگ ها تک تک ریخت
از سر و دوش درخت
سار از شاخه برید
بال زد تا تهِ باغ
گفت با سبزه و گل
هر چه را گفت کلاغ
دل هر غنچه تپید
رنگ گلهبرگ پرید
برگ، بی حوصله شد
سبزه، خمیازه کشید

شاهپرک خواب نبود
پَر زد از باغ و گذشت
هر چه را دید و شنید
بزد تا بهمنی دشت
آهو از دشت گر ریخت
زود برگشت به ده
عاقبت باز رسید
خبر از دشت به ده
باد، هو هو می کرد
ابر، می بارید
خبر داغ کلاغ
ده به ده می پیچید



شکوه قاسمی

روباه و زاع

بخوان و حفظ کن

زاعلی، قالب پیری دید
 به دهان برگرفت و زود پرید
 بر درختی نشست در راهی
 که از آن می گذشت روباهی
 روید پزغریب و حیلست ساز
 رفت پای درخت و کرد آواز
 گفت: به بد! چقدر زیبایی
 چه سری، چه ذمی، عجب پای!

۳۴



بز و بالت سیاه رنگ و تشنگ
 نیست بالتر از سیاهی رنگ
 گر خوش آواز بودی و خوش خوان
 ندیدی بهتر از تو در مرغان
 زاع می خواست قارقار کند
 تا که آوازش آشکار کند
 طعمه افتاد چون دهان بگشود
 رو بهنگ جست و طعمه را پر بود

بازافروشی از حبیب یغمایی

باز باران با ترانه

با گهرهای خردان

می خورد بر بام خانه

یادم آرد روز باران

کردش یک روز دیرین

خوب و شیرین

نوی جگل های کیلان

کودکی ده ساله بودم

شاد و خرم

نرم و نازک

خست و چابک

باد و پای کودکانه

می دویدم همچو آهو

می پریدم از سر جو

دور می گشتم ز خانه

می شنیدم از پرنده

از لب باد وزنده

داستان های نهانی

رازهای زندگانی

برق چون شمشیر بران

پاره می کرد ابرها را

تندر دیوانه، غرآن

مشت می زد ابرها را

جگل از باد کریان

چرخ هامی زد جو دریا

دانه های کرد باران

بهن می گشتم هر جا

سبزه در زیر درختان

رفته رفته گشت دریا

نوی لاین دریای جوشان

جگل دارونه پیدا

بس کو ارا بود باران ا

بدا چه زیبا بود باران ا

می شنیدم اندر لاین گوهر نشانی

رازهای جاودانی

بندهای آسمانی

بشنو از من، کودک من

پیش چشم مرد فردا

زندگانی، خواه تیره،

خواه روشن

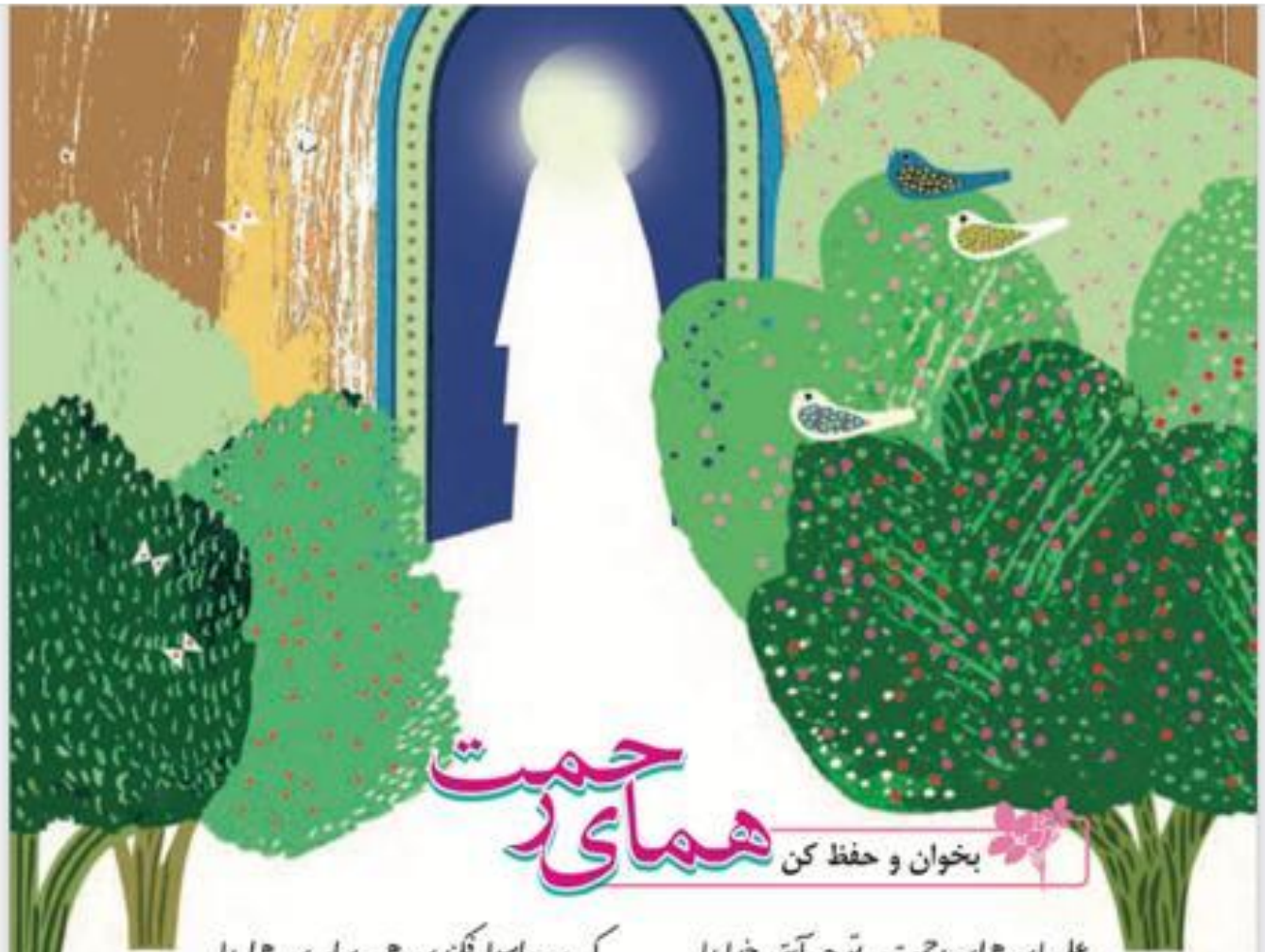
حست زیبا،

حست زیبا،

حست زیبا!

گلچین کیلان





همای رحمت

بخوان و حفظ کن

که به ماسوا گفتندی همه ساییدی هما را
به علی شناختم من به خدا قسم، خدا را
که نگین پادشاهی، دهد از کرم گدا را
چو اسیر توست اکنون به اسیر کن مدادا
که غلم کند به عالم، شهدای کر بلا را

علی ای همای رحمت، تو چه آیتی خدا را
دل اگر خدا شناس، همه در زخ علی بین
برد ای گدای مسکین در خانه علی زن
به جز از علی که گوید به پسر، که قاتل من
به جز از علی که آمد، پسری ابوالعباس

پند محمدحسین بهجت تبریزی (شهباز)



درس سیزدهم

لطفِ حق

در کفند از گفستی زبِ جلیل
گفت: «کای فرزندِ خرد بی‌گناه
چون رمی، زمین کشتی بی‌ناخدای؟»
رهرو ما، اینک اندر منزل است
دستِ حق را دیدی و نشناختی؟
شیوه‌ی ما، عدل و بنده‌پروری است
دایه‌اش سیلاب و موجش ماده است
آنچه می‌گوئیم ما، آن می‌کنند
ما، به سیل و موج، فرمان می‌دهیم
کی تو از ما دوست‌تری داری‌اش!»

مادر موسی، جو موسی را به نیل
خود ز ساحل کرد با حسرت، نگاه
گر فراموشت کند، لطف خدای
وحی آمد: «کاین چه فکر باطل است؟
ما گر خیم آنچه را انداختی
در توتها، عشق و مهرملادی است
سلیح آب از کاهوارش خوش‌تر است
رودها از خود نه ظفیان می‌کنند
ما، به دریا حکم توکان می‌دهیم
به که برگردی، به ما بسیاری‌اش

پروین اعتصامی



شنیدستم که شهبازی گمنام
کبوتر بچه‌ای را کرد دنبال
ز بیم جان، کبوتر کرد پرواز
به هر سوتاخت، تا زمان از پی اش باز
به دشت و کوه و صحرا بود بران
ز چنگ باز شاید در نزد جان
اجل را دید و شست از زندگی دست
درختی در نظر بگرفت و بنشست
نظر کرد آن نگون اقبال بر زبر
که صیادی کمان برکف به زه تیر
به زبر پای، صیاد و به سر، باز
نه بنشستن صلاح است و نه پرواز
به کفی رشتی امید بگست
در آن دم دل به امید خدا بست
چو امیدش به حق بود آن کبوتر
نجات از مرگ دادش حق داد
بزد ماری به شست پای صیاد
فضا بر باز خورد آن تیر و افتاد
به خاک افتاد هم صیاد و هم باز
کبوتر شاد و خندان کرد پرواز

امید

بخوان و حفظ کن



خرد و دانش

بخوان و حفظ کن

ز دانش دل پیر، بزرگ بود
که او باد، جان تو را درهنمای
بیای ز هر دانشی، دانشی
ز دانش میکن، دل اندر گمان
که بهره ندارد ز دانش، بسی
به بی‌دانشان بر، بیاید گریست
که نادان به هر جای، بی‌دانش است

توانا بود هر که دانا بود
به دانش فرای و به یزدان گرای
بیاموز و بشو ز هر دانشی
میاسای از آموختن، یک زمان
چه ناخوش بود، دوستی با کسی
که بیگاری او ز بی‌دانشی است
تن نرده، چون مرد بی‌دانش است

تأهنامه، فردوسی



نیایش

بخوان و حفظ کن

ز رحمت، یک نظر در کار ما کن
دعای بنده‌ی خود، مستجاب آر
ز کز گفتن، زبانم در امان دار
صفت ذات تو بر لفظ دادم
به حال بندگان خویش ناظر
زبان در شرح ذکرت می‌کشایم
از آن رو در پناحت می‌پناهم

الهی، فضل خود را یار ما کن
خدایا در زبان من، صواب آر
مرا در حضرت خود، کامران دار
مرا توفیق ده تا حمد خوانم
خداوندا، تویی حامی و حاضر
شنای ذات پاکت می‌سرایم
الها، جز تو، ما کس را نخواهیم

الهی نامه، عطار نیشابوری



خدا

ستایش

به مادر گفتم: «آخر این خدا کیست؟
که هم در خاندی ما هست و هم نیست
تو گفتی مهربان تر از خدا نیست
دی از بندگان خود جدا نیست
چرا هرگز نمی آید به خواهم؟
چرا هرگز نمی گوید جوابم؟
فاز صبحگاهت را شنیدم
تو را دیدم. خدایت را ندیدم.»
به من آهسته مادر گفت: «فرزند!
خدا دارد دل خود جوی. یک چند
خدا در رنگ و بوی گل. نهان است
بهار و باغ و گل از او نشان است
خدا در پاک و نیکی است. فرزند!
بود در روشنایی ها. خداوند.»

پروین دولت‌آبادی



که تو شاه و حوش و من موش
 تو بزرگی و من خطا کارم
 شیر از این لبه، رحم حاصل کرد
 اتفاقاً سه چار روز دگر
 از پی صید گرگ، یک صیاد
 دام صیاد، گیر شیر افتاد
 موش چون حال شیر را دریافت
 بندها را جوید با دندان
 شیر چون موش را رهایی داد
 موش هیچ است پیش شاه و حوش
 از تو اشید مغفرت دارم
 بنجدها کرد و موش را دل کرد
 شیر را آمد لهن بلا بر سر
 در همان حول و حوش، دام نهاد
 عوض گرگ، شیر گیر افتاد
 از برای خلاص او بشافت
 تا که در بزد شیر از آنجا جان
 خود رها شد ز بنجدهی صیاد


 ابرج موزا





سیر و موش

درس پانزدهم

بود شیری به پیشای، خفته
آن قدر گوش شیر، گاز گرفت
تا که از خواب، شیر شد بیدار
دست برد و گرفت گدای موش
خواست در زیر پنجه، که کندش
گفت: ای موش لوس یک غازی
موش بچاره در هراس افتاد

موشکی کرد، خوابش آشفته
که رها کرد و گاه باز گرفت
متغیر ز موش به رفتار
شد گرفتار، موش بازی گوش
به هوا برده بر زمین زندش
با ذم شیر می کنی بازی
گریه کرد و به التماس افتاد



شیدستم که شهبازی گمنام
کبوتر بچه‌ای را کرد دنبال
ز بیم جان، کبوتر کرد پرواز
به هر سو ناخت، تا نان از پی آتش باز
به دشت و کوه و صحرا بود پیران
ز چنگ باز شاید در بزد جان
اجل را دید و شست از زندگی دست
درختی در نظر گرفت و بنشست
نظر کرد آن نکلون اقبال بر زر
که صیادی گمان بر کف به زه تیر
به زر پای، صیاد و به سر، باز
نه بنشستن صلاح است و نه پرواز
به کفی رشتی امید بنگست
در آن دم دل به امید خدا بست
چو امیدش به حق بود آن کبوتر
نجات از مرگ دادش حتی داور
برد مادی به شست پای صیاد
قضا بر باز خورد آن تیر و افتاد
به خاک افتاد هم صیاد و هم باز
کبوتر شاد و خندان کرد پرواز

امید

بخوان و حفظ کن



دروس دوازدهم

اتفاق ساده

آن روز، شیشه‌ها را

باران و برف می‌شت

من مشق می‌نوشتم

پردانه طرف می‌شت

در آن نوشته بودی

حال تو خوب خوب است

گفتی که سگر ما

در جهی جنوب است

وقتی که نامه‌ات را

مادر برای ما خواند

باران پشت شیشه

آرام و بی صدا ماند

گفتی که ما همیشه

در سایه‌ی خدایم

گفتی که ما قرار است

این روزها بیایم

از شوق سطر آخر

ملارد بلند خندید

چشمان مهربانش

برقی زد و درخشید

یک قطره شبنم از گل

بر روی برگ غلتید

یک قطره روی شیشه

مثل تگرگ غلتید

بادان پشت شیشه

آمد به خاندی ما

آرام دست خود را

می زد به شاندی ما

یک قطره از دل من

بر روی دفتر افتاد

یک اتفاق ساده

در چشم ملارد افتاد

«اشعار کتاب فارسی پنجم دبستان»

ستایش

ای همه هستی ز تو پیدا شده

ای همه هستی ز تو پیدا شده
خاک ضعیف از تو توانا شده
از بی توست این همه امید و بیم
هم تو بخشای و بخش، ای کریم
چاره‌ی ما ساز که بی یادیم
گر تو برانی، به که روی آوریم؟
جز در تو، قبله نخواهیم ساخت
گر نتوانی تو، که خواهد نواخت؟
یار شو، ای مونس غمخوارگان
چاره کن ای چاره‌ی بیچارگان

مکتب، مکتون الاستار





رخوان و حفظ کن

رقص باد، خنده‌ی گل

سبزه‌ناران، رفته رفته، زرد گشت
زرد شد آن چتر شاداب و تشنگ
رشته‌های بیدمن از هم گسیخت
باغ و بوستان، ناگهان در خواب شد
کرد کوته، شاخه‌ی بیجان تاک
بار دیگر، چون بهاران می‌شود؛

باد سرد، آرام بر صحرا گذشت
تک درخت نارون، شد رنگ‌رنگ
برگ برگ گل به رقص باد ریخت
چشمه کم کم خشک شد، بی آب شد
کرد دهقان، دانه‌ها در زیر خاک
فصل پاییز و زمستان می‌رود



چشمه جوشد، آب می‌افتد به راه
سبز گردد، شاخساران کهن
پُر کند بوی خوش گل، باغ را
باز می‌سازد در اینجا آشیان

از زمین خشک، می‌روید گیاه
برگ نو آرد، درخت نارون
گل می‌بخندد، بر سر گل بوته‌ها
باز می‌آید پرستو، نند خوان

بال در بال پرستوهای خوب
جامدای از عطر زکس ها به تن

می رسد آخر، سوار سبز پوش
شالی از پروانه ها بر روی دوش

پیش پای او به رسم پیشواز
باغبان هم، باغبان نو بهار

ابر با رنگین کمان، پیل می زند
بر سر هر شاخه ای گل می زند

تا می آید، پرده ها از خانه ها
مرغ های خسته و پر بسته هم

باز توی کوجه ها سر می کشند
از میان پرده ها بر می کشند

در فضای باغ ها بر می شود
هر کجا سرگرم صحبت می شوند

باز هم فواره ای گنجشک ها
شاخه ها دربارهی گنجشک ها

باز می پیچد میان خانه ها
می رسد فصل بهاری جاودان

بوی اسفند و گلاب و بوی عود
فصلی از عطر و گل و شمع و سرد

بخوان و حفظ کن

خرد رهنمای و خرد دلگشای

به نام خداوند جان و خرد
گزین برتر اندیشه، برگزید
خرد رهنمای و خرد دلگشای
خرد، دست گیرد به هر دو سرای
به دانش گرای و بدو شو بلند
چو خواهی که از بد نیابی گزند
ز نادان، بنالد دل سنگ و کوه
آزیر اندارد بر کس، شکوه
توانا بود، هر که دانا بود
ز دانش دل بیر، زنا بود

فردوسی

سَرای امید

بخوان و حفظ کن

ایران، ای سرای امید

بر بانمت سپیده دمید

بگر کزین ره بر خون

خورشیدی خجسته رسید

اگر چه دل ها بر خون است

شکوه شادی، افزون است

سپیده‌ی ما گلگون است

که دست دشمن، در خون است

ای ایران، غنمت نرساد

جاویدان، شکوه تو باد

راه ما راه حق، راه پیروزی است

اتحاد، اتحاد، رمز پیروزی است

صلح و آزادی

جاودانه در همه جهان، خوش باد

یادگار خون عاشقان، ای بهار

ای بهار تازه جاودان در این حسن کلفت باد.

هوشنگ ابتهاج (سایه)



درس پنزدهم

کاجستان

در کنار خطوط سیم پیام
خارج از ده، دو کاج رویدند
سالیان دراز، رگه‌دران
آن دو را چون دو دوست می‌دیدند
روزی از روزهای پاییزی
زیر رگبار و تازیبانی باد
یکی از کاج‌ها به خود لرزید
خم شد و روی دیگری افتاد
گفت: «ای آشنا، بخش مرا
خوب در حال من، تا مثل کن
ریشه‌هایم ز خاک، بیرون است
چند روزی، مرا تحمل کن.»
کاج همسایه، گفت با نری:
«دوستی را نمی‌برم از یاد،

شاید این اتفاق هم روزی
تا کمان از برای من افتاد.»
مهربانی به گوش باد رسید
باد، آرام شد، ملام شد
کاج آسیب دیده‌ی ما هم
کم‌کم، با گرفت و سالم شد.
میوه‌ی کاج‌ها، فرو می‌ریخت
دانه‌ها ریشه می‌زدند آسان
ابر، باران رساند و چندی بعد
ده‌ما، نام یافت «کاجستان» ...

کار و تلاش

درس هفدهم



به راهی در، سلیمان دید موری
به زحمت، خویش را هر سو کشیدی
ز هر گردی، برون افتادی از راه
چنان بگرفتی راه سبی در پیش
به تندی گفت: «کای مسکین نادان
بیا زین ره، به قصر پادشاهی
چرا باید چنین خونا به خوردن
نه است اینجا و مردم دهکداند
ملکش رسوده این بار گران را
بگفت: «از سوز، کتر گوی با مور
نبتند با کسی ما را سر و کار
مرا امید راحت هاست زین ریخ
گزت همواره باید کامکاری
نرد راهی که پایت را بهندند
کیه تدبیر، غافل باش و بینا
بکوش اندر بهار زندگانی

پروین اعتماسی



● لیست مواردی که در حوزه شعر نبودند اما میتوانند در حوزه های دیگر مورد استفاده قرار بگیرند:

- کتابهایی براساس رده سنی در قالب داستان کوتاه - رمان و نثر
- لیست آثار براساس موضوعاتی چون مذهبی - تاریخ - جغرافیا - انقلاب اسلامی - طنز - نوزاد جدید و مرگ
- لیست فیلمهای سینمایی - انیمیشن و سریال مناسب سطوح پایه و میانی

«لیست آثار مناسب سطح پایه بر اساس رده سنی»

● رده سنی ۱-۳ سال

موضوع	نویسنده / ناشر	نام کتاب
موضوع حیوانات در معرض انقراض ایرانی	کبری بابایی / نشر قلم	مجموعه شعر مواظب تو هستم
واژه آموزشی	جیمی فلن / نشر کتابپارک	مامان - بابا
نوزاد و اعضای بدن	کارن کتس / نشر زبان	مجموعه دالی بازی (۴ جلد)
آشنایی با صداها از طریق شعر / صداهای حیوانات - شغل‌ها - وسایل نقلیه - وسایل خانه	زهرا موسوی، حدیثه قربانی / نشر افق	مجموعه صدای چی بود؟ (۵ جلد)
دوست شدن	اعظم مهدوی / نشر فاطمی	به کرگدن بگو بره (زیر ۳ سال)
آموزش مهارت‌ها به زیر ۳ سال‌ها	مایکل دال / نشر کتابپارک	بچه باهوش (مجموعه)

● رده سنی ۳-۴ سال

موضوع	نویسنده / ناشر	نام کتاب
مناسب خواب	جان استیمسون / نشر ذکر	قصه‌هایی برای ۳ ساله‌ها
موضوع علمی	دارین لاند / نشر فاطمی	این پی پی مال کیه؟
کمک به حیوانات - نقاشی کردن - کاشتن درخت و...	محبوبه صمصام شریعت / نشر سروش	دل‌م‌یه مهمون می‌خواد
قصه در مورد فرهنگ ایرانی مربوط به لباس نو	تهمینه حدادی / نشر سروش	دکمه‌های گربه‌ای

موضوع	نویسنده - ناشر	نام کتاب
معرفی ایران - شهرها	منوچهر احترامی / گزارش	دزد و مرغ فلفلی
آموزش نسبت‌ها و بزرگ و کوچک	نورالدین زرین کلک / نشر کانون	قضیه فیل و فنجان
کتاب علمی برای خردسال / ساده سازی محتوای پیچیده	روث اسپایرو / نشر شهر قلم	علوم بزرگ برای بچه‌های کوچک
فضائل اخلاقی	کاژرو برت / نشر کتاب جمعه	مجموعه قصه ریزه میزه
معرفی مشاغل ایرانی (سفالگری، قالی بافی، زعفران کاری، خیاطی، چای کاری...)	مجید راستی / نشر شهر قلم	مجموعه ایران من
تبدیل یک روز معمولی به روز خوشحال (تصویرهای خانواده)	هدا حدادی - نشر محراب قلم	یک روز خوشحال
داستانی از ارزشمندی تفاوت‌ها	نرجس محمدی / نشر فاطمی	چه فکر خوبی!

● رده سنی ۷-۹ سال

موضوع	نویسنده / ناشر	نام کتاب
داستان کوچ و زندگی عشایری	آتوسا صالحی / نشر افق	کوچه روزبه
داستان‌های بازنویسی فولکور برای کودکان امروز	گروه نویسندگان / نشر فاطمی	قصه‌هایی از ادبیات شفاهی ایران
جوگیری و وادادگی در مقابل آدم‌های معروف	هلمه هانیه / نشر کتابپارک	خرگوش سوپر قهرمان
آشنایی با فرهنگ قالی بافی	آرامی و صحبتی / نشر نردبان	شکارگاه عجیب
پرورش خلاقیت (کتاب طنز)	منصوره مصطفی زاده / نشر کتابپارک	کاشفان دنیا / دنیا از آن‌ور
محیط زیست	تهمینه حدادی - محبوبه یزدانی / نشر نردبان	قشنگ‌ترین لباس دنیا
تمرین قصه‌گویی و خلاقیت (کودک خودش باید قصه را تمام کند)	احمد اکبرپور / نشر فاطمی	مجموعه داستان‌های بی‌پایان

● رده سنی ۹-۱۲ سال

موضوع	نویسنده / ناشر	نام کتاب
رویاهای و مهربانی	کارامی / نشر کتابپارک	خواب دزد
ماجراهای با نمک دختر ایرانی	مژگان کلهر / نشر افق	مجموعه الینا (۴ جلدی)
زباله‌ها و محیط زیست	معصومه ابوطالبی / نشر گنجشک‌های جمکران	پروفسور فوفو
داستان‌های طنز ایرانی	رسولیان - نقیه / نشر مهرستان	مجموعه من و بقیه (۴ جلدی)
داستان بامزه از تماشای ایرانی گاندو	معصومه یزدانی / نشر نردبان	نامه‌های گاندو
آشنایی با مشاهیر ایران به زبان طنز	حمید عبداللهیان / نشر میچکا	مجموعه مشاهیر خندان

نام کتاب	نویسنده / ناشر	موضوع
آناهیتا و غول چراغ جادو	مریم شیرازی / ناشر کتابپارک	اینترنت و غول چراغ- مدرسه و خانه روستایی
قلعه محافظان	فاطمه مسعودی / ناشر گنجشک‌های جمکران	داستان حضرت ابراهیم از زبان ۴ پرنده
مجموعه بردیا و گولاخ‌ها	مهدی رجبی / ناشر افق	داستان‌های فانتزی بامزه ایرانی
نرگس	رحیم مخدومی / ناشر سوره مهر	داستان خواهر برادری در روزهای پیش از انقلاب
ادسون آران‌تس دوناسیمنتو و خرگوش هیمالیایی‌اش	جمشید خائیان	مذهبی

«لیست موضوعی تعدادی از موضوعات برای سطح پایه»

● مذهبی

موضوع	نویسنده / ناشر	نام کتاب
جنبه‌های اخلاقی و تربیتی زندگی پیامبر	غلامرضا ابهری	پیامبر و قصه‌هایش
آموزش سبک زندگی برای بچه‌ها	غلامرضا ابهری	محمد مثل گل بود
سخنان و سبک زندگی پیامبر در قرآن	غلامرضا ابهری	مهربان‌ترین پیامبر
مجموعه ۱۲ جلدی از داستان‌های پیامبر	حسین فتاحی	۳۰ روز با پیامبر
داستان‌های پیامبران مختلف	ابراهیم حسین بیگی	داستان پیامبران
زندگی پیامبر	عبدالطوب یوسف - مترجم آذر رضایی	بیست قصه از زندگی پیامبر
داستان زندگی حضرت ابراهیم از زبان ۴ پرنده	فاطمه مسعودی	قلعه محافظان
آشنایی با جهان آفرینش (یگ CD ضمیمه دارد)	غلامرضا ابهری	چرا خدا چنین کرد؟
جشن تکلیف	علی باباجانی	مجموعه قصه‌های حنانه
حضرت خدیجه به عنوان قهرمان	ثانی اثنین خان - مترجم بابایی صالح	خدیجه
داستان قرآنی	فاطمه مسعودی	محمدجواد و شمشیر ایلیا
داستان حضرت مسلم	سید مهدی شجاعی	فصل خوب پیوستن
کربلا	منصوره مصطفی زاده	قهرمانان کربلا

● تاریخ و جغرافیا

موضوع	نویسنده / ناشر	نام کتاب
مجموعه‌ای از نامه‌ها که طی آنها بچه‌ها با جاذبه‌های گردشگری، تاریخ، بناهای دیدنی، گیاهان و جانوران مختلف، قوم‌ها، لهجه‌های گوناگون، غذاها و جشن‌ها و ... مناطق مختلف ایران آشنا می‌شوند.	مهدی رجبی - انتشارات زعفران	نامه‌های نیلی

● انقلاب اسلامی

موضوع	نویسنده / ناشر	نام کتاب
داستان انقلاب و مبارزات مشهد	مرکز صهبا- ناشر موسسه فرهنگی هنری جهادی	چُغک
روزهای انقلاب	نورا حق پرست / کانون پرورش فکری کودکان	زمستان سبز
خاطرات بچه‌ها به قصه تبدیل شده	نادر ابراهیمی / نشر سوره مهر	پدر چرا توی خانه مانده‌است؟
مبارزات انقلاب در کرمانشاه	فاطمه الیاسی / نشر شهید کاظمی	تونل سوم
عاشقانه نوجوانانه در بستر روزهای انقلاب	ابراهیم حسن‌بیگی / نشر سوره مهر	روایتی ساده از ماجرای پیچیده
رمان نوجوان / انقلاب	حسین ارسنجانی / نشر شهرستان ادب	زندانی کوچک
روایتی از زندگی افراد انقلابی	رحیم مخدومی / نشر سوره مهر	نرگس
داستان معمایی و پرکشش	محمد رضا اصلانی / انتشارات کانون	شاهین و بشکه‌ی باروت
رسیدن به انقلاب درونی از انقلاب بیرونی	فاطمه نفری- نشر سوره مهر	زمستان بی شازده
فانتزی و تخیلی با موضوع انقلاب	نیلوفر مالک- نشر سوره مهر	رویای بعد از ظهر

● نوزاد جدید

موضوع	نویسنده / ناشر	نام کتاب
حسادت بعد از آن پذیرش	آن سی واردی - حسین فتاحی / نشر قدیانی	تولد نوزاد جدید
حسادت بعد از آن پذیرش	نورا کیدوس - عذرا جوزدانی / نشر شهر قلم	من خواهر برادر بزرگتر هستم
توضیح شرایط نوزاد و خانواده	هستی سعادت / نشر نردبان	تپلی و تولد خواهر کوچولو
پذیرش شرایط جدید برای خواهر یا برادر بزرگتر	امیلی آپونته - برزو سر یزدی / نشر صابری	نوزاد جدید در راه است
انتظار - عضو جدید حسادت	پالت بورژوا - شهره هاشمی / نشر آبادیران	خواهر کوچولوی فرانکلین
مسئولیت‌های تازه	لورن چابلد - محبوبه نجف خانی / نشر زعفرانی	آدم کوچولوی جدید
حسادت با نگاهی طنز	فانی جولی - نسرين گلدار / نشر بافرزندان	یه بچه‌ی بامزه دیگه
حسادت بعد از پذیرش	آنت لنگن - منیژه نصیری / نشر زعفرانی	برادر نمی‌خواهم
شکل‌گیری نوزاد - حرفه‌ها ورزشها و...	مترجم رویا خوش / انتشارات محراب	دایره المعارف کوچک من درباره نوزاد

● کتابهای طنز

نام کتاب	نویسنده / ناشر	رده سنی
مامان همه چیزه	جیمی فلن / نشر کتابپارک	(۰-۲) سال
آدم بزرگا هیچ وقت این کار رو نمی کنن	دیوید کالی / نشر افق	۵ سال به بالا
این کتاب عکس ندارد	بی جی نواک / نشر پرتقال	۵ سال به بالا
یک گرفتاری دیگه	یوشی تکه / نشر ماهک	۴ سال به بالا
داستان های فیلی و فیگی	موویلمس / نشر پرتقال	+۳
لبخندها	ریفا تلگمایر / نشر اطراف	+۹
مداد شمعی ها	دیوالت / نشر مختلف	+۵

موضوع	نویسنده - مترجم	نام کتاب
مرگ - اعتقاد به معاد	کای لوفتنز / مهدیه متقی	برای همیشه
دیدگاهی نزدیک به دیدگاه اسلامی از مرگ	کلر ژوبرت	خداحافظ راکون پیر
بیان احساس فقدان و کنار آمدن با آن	سباستین / طهرانی و نارنجیها	یولانته در جستجوی کریسولا
	کاترین شارر - پروانه عروج نیا	مرگ بالای درخت سیب
احساس غم و فقدان	لیوپسی - سنستوسو / آناهیتا حضرتی	با آیدا تا همیشه
مفهوم مرگ	لئو بوسکالیا / فرهنگ	خزان برگ
صحبت با کودکی که پدر بزرگ و مادر بزرگش را از دست داده است	یوتا باوئر / زهرا قایینی	فرشته پدر بزرگ
تشویق بچه به حرف زدن در مورد خاطرات خوب از فرد در گذشته	بریتا تکنتراپ / مهرنوش پارسائزاد	درخت خاطره
مرگ یکی از اعضای خانواده	لیزا گراف / نیلوفر نیکزاد	چتر تابستان
رده نوجوان	فریبا دیندار	سنباب ماهی عزیز
رده نوجوان	دیوید الموند	پدر اسلاگ
رده نوجوان	باربارا پارک / نازنین دیهیمی	میک هارته اینجا بود

لیست انیمیشن و سریال و فیلم سینمایی مناسب سطح پایه و میانی

● انیمیشن ایرانی (فیلم)

داستان فرمانروایی ضحاک (در شاهنامه)	آخرین داستان
داستان رستم و سهراب	رستم و سهراب
(بنیامین در دوره فراعنه مصر) پسری که برای نجات جان مادرش ار دست سربازان فرعون تلاش می کند.	بنیامین
دختری مسیحی (ملیکا) که به همسری امام یازدهم در می آید	شاهزاده روم
این دو شخصیت به شهر جدیدی می روند تا زندگی جدیدی شروع کنند. (دو دوست)	امین و اکوان
فیلی که قرار است رئیس گله شود. (اصحاب فیل و حمله ابرهه به خانه کعبه و در نهایت ولادت حضرت محمد)	فیلشاه
زمانه ربات‌ها	طنز ایران ۱۵۰۰
انیمیشن ماجراجویی	جمشید و خورشید
داستان تاریخی صدسال قبل از ظهور اسلام در شهر نجران یمن	فهرست مقدس
اقتباس از شنگول و منگول (آموزه‌های اخلاقی) (صداگذاری و دوبله انگلیسی هم شده)	گولز

سریال انیمیشن

۱۵ دقیقه‌ای (فیلم ۸۴ دقیقه‌ای هم دارد)	خداوند لک‌لک‌ها را دوست دارد: (۲۷ قسمت)
داستان‌ها/ ضرب‌المثل‌ها و قصه‌های قدیمی ایرانی	شکرستان: (۱۳۴ قسمت)
از شبکه پویا پخش می‌شده (۱۴ دقیقه‌ای)	بچه‌های ساختمان گل‌ها: (۹۱ قسمت)
(پوریای ولی و مبارزه با اسکندر خان) (شبکه بین‌المللی جام جم)	پهلوانان: (۵۲ قسمت)
از شبکه نهال برای کودک (۲۰ دقیقه)	تندر: (۱۳ قسمت)
(۲۱ دقیقه‌ای)	داستان‌های شاهنامه: (۱۳ قسمت)

فیلم سینمایی جدید (کودک و نوجوان)	فیلم سینمایی قدیمی (کودکان)
<p>رویای سینما مامان - بهروز منو زد بزرگ مرد کوچک همبازی آهوی پیشونی سفید سیزده جنجال در عروسی شکلاتی تورنا ۲ تپلی و من پاستاریونی دزد و پری ۲ ۲۳ نفر (دفاع مقدس) منطقه پرواز ممنوع (فانتزی کمدی موزیکال) بازیوو</p>	<p>شهر موش‌ها گلنار دزد عروسک‌ها پاتال و آرزوهای کوچک علی و غول جنگل گربه آوازخوان سفر جادویی مدرسه پیرمردها بهترین بابای دنیا شهر دست بچه‌ها مریم و متیل کلاه قرمزی و پسر خاله الو الو من جوجه‌ام بادکنک سفید خواهران غریب بچه‌های آسمان یکی بود یکی نبود نصف مال من نصف مال تو نخودی خاله سوسکه</p>

منابع

- ابراهیمی، جعفر. (۱۳۸۸). عنصرها را ساده کن. تهران: انتشارات منادی تربیت
- اسلامی، مریم. (۱۳۹۳). دامادی آقا کلاغه. تهران: انتشارات پرورش فکری کودکان و نوجوانان
- مزینانی، محمدکاظم. (۱۳۹۸). حرف‌های چرخ خیاطی. تهران: نشر افق
- هاشم‌پور، مریم. (۱۳۹۲). هم روزنامه هم کلوچه. تهران: انتشارات امیرکبیر
- علوی‌فر، یحیی. (۱۳۹۷). توهم خودت درختی. تهران: انتشارات سوره مهر
- شعبانی، اسدالله. (۱۳۸۷). عمو زنجیرباف. تهران: انتشارات پیدایش
- شامانی، طیبه. (۱۳۹۵). قچ قچ. تهران: انتشارات کانون پرورش فکری کودک و نوجوان
- ماهوتی، مه‌ری. (۱۳۹۳). کفش‌های جیک جیکی - تهران: انتشارات پیدایش
- شعبان‌نژاد، افسانه. (۱۳۹۱). آفتاب مهتاب چه رنگه. تهران: انتشارات هنرآبی
- هاشمی، سید سعید. (۱۳۸۴). صبح و بوی نان. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی
- بکتاش، غلامرضا. (۱۳۸۸). نوجوانی درخت کاج تهران: انتشارات سروش
- مرادی، مهدی. (۱۳۹۱). ساعت بدون تیک‌تاک. تهران: نشر امیر کبیر
- سراج، فریدون. (۱۳۹۳). شب تاریک. تهران: انتشارات کانون پرورش فکری کودک و نوجوان
- بکتاش، غلامرضا. (۱۳۹۷). مگر لب زیپ دارد. تهران: انتشارات امیر کبیر
- ماهوتی، مه‌ری. (۱۳۹۰). ایران دوستت دارم. تهران: انتشارات سروش
- شعبانی، اسدالله. (۱۳۹۲). پولک به پولک. تهران: انتشارات پیدایش

بکتاش، غلامرضا. (۱۳۹۱). با دعای باران. تهران: نشر مدرسه

آشیان، آزاده. (۱۳۸۶). کودکانه. تهران: انتشارات لاک پشت

اکراد، مریم. (۱۳۹۸). صدای حیوانات. تهران: نشر مفاهیم

علا، افشین. قاسم‌نیا، شکوه. شعبانی، اسدالله. (۱۳۹۲). شعرهای شیرین برای بچه‌ها.

تهران: نشر قدیانی

کفاش، زهرا. (۱۳۹۲). فصل‌های زیبای سال. مشهد: انتشارات همیاران جوان

کشاورز، ناصر. احمدی، حسین. ابراهیمی، جعفر. (۱۳۹۹). شعرهای شیرین برای بچه‌ها.

تهران: نشر قدیانی

هاشمی‌پور، اکرم‌السادات. (۱۳۹۸). ترانه‌های نیایش. مشهد: انتشارات به نشر

قاسم‌نیا، شکوه. (۱۳۹۳). بچه‌ها جورواجورند. تهران: انتشارات پیدایش

کشاورز، ناصر. (۱۴۰۰). رفتم بالا مورچه بود. تهران: انتشارات شهر قلم

خدادوست، احمد. (۱۳۸۳). زیباترین پل. قزوین: انتشارات سایه گستر

کشاورز، ناصر. (۱۳۸۵). مامان پری یه نی نی آورد، میخوای ببینی. تهران: انتشارات

رویش

باغچه‌بان، ثمین. (۱۳۹۸). دس دسی باباش می‌آد. تهران: نشر نظر

قاسم‌نیا، شکوه. گلدوزیان، علیرضا. (۱۳۹۶). غذاها جورواجورند. تهران: انتشارات

پیدایش

اشرف پور، مهرانگیز. (۱۳۹۷). جشن تکلیف. قم: نشر زائر

نیک طلب، بابک. (۱۳۹۰). عروس آسمون. تهران: انتشارات منادی تربیت

ادیبی، فاطمه. (۱۳۹۱). شعر و رویا. تهران: نشر زمرد

هاشم پور. مریم. (۱۳۹۸). شرشر بارون. تهران: انتشارات جمال

قاسم نیا، شکوه. (۱۴۰۰). ماشین‌ها جورواجورند. تهران: انتشارات پیدایش

حسین میانجی، سید بشیر. (۱۳۹۷). من بچه شیعه هستم. قم: نشر زائر

سایت:

Minevisam.com

Gholhaiebehesht.blogfa.com

Hanie313.com

Baby.firooz.com

Shiachildren.com

dl.daneshchi.ir

dl.heyvagroup.com

biamoz.com